

یک اسید چرب با نقطه ذوب ۶ درجه سی باشد (Planchon - Br.).

این اسانس که به اسانس بابونه آلمانی نیز موسوم است. حالت چسبنده دارد و در گرمای صفر درجه منجمد می شود. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰ درجه بین ۰.۹۱۷ ر. ۰.۹۰۷ ر. است.



ش ۲- Matricaria Chamomilla: دو قسمت از یک گیاه کامل ریشه دار به اندازه های طبیعی

هر قسمت آن در ۶ قسمت الکل ۹۶ درجه حل می شود. باید در ظروف شیشه ای کاملاً دربسته، در جای سرد و دور از نور نگهداری شود. در ردیف سواد معطر تلخ و قوی آور جای دارد (Merck Index).

از این گیاه واز. Artemisia tilesii Ledeb. ماده ای به نام ساتریکارین matricarine به فرمول $C_{17}H_{24}O_6$ و به وزن ملکولی ۳۳۷٫۳۶ استخراج شده است (۱).

1 - Cekan et al., Coll. Czech, Chem. Commun, 24, 1554 (1959).

ساتریکارین به صورت بلوریهایی ورقه مانند در بنزن با اتر دو پترول و مخلوط استن

با اتر دو پترول به دست می آید. در گرمای ۱۹۰-۱۹۱ درجه ذوب می شود.

در سرك ایندکس، علاوه بر ساتری کارین، وجود اسید آنته میک (anthemic acid)،

آنته سیدین anthemidine و تانن در اسانس مذکور ذکر شده است.

تاریخچه - بوی قوی اعضای این گیاه، باعث شد که توجه مردم زمانهای دیرین به

سوی آن جدا گردیده برای مصارف در سانی مختلف مورد آزمایش قرار گیرد. فراوانی آن

در حال حاضر در بعضی نواحی مانند آکروپول، به پایه ای است که در فاصله فروردین

تا اواخر اردیبهشت، فضای این ناحیه از بوی آن معطر می گردد. تاریخ استفاده از این گیاه

با همه قدمتی که برای آن قائل اند، بطور دقیق معلوم نیست زیرا شباهت زیاد آن با

Pyrethrum ها، Anthemis ها و گونه های دیگر Matricaria، موجب گردیده که به نام

گیاهان مذکور و یا مخلوط با آنها مورد استفاده قرار گیرد. اسکله پیاد (Asclepiade)، در دو

قرن قبل از سیلاد سسیج، دم کرده این گیاه را بکار می برد و دیوسکورید، در قرن اول میلادی،

دم کرده ۳ گونه از این گیاهان را توأم با عنوان سدر، قاعده آور و صفرابر بکار می برده که یکی از

آنها، بابونه معمولی بوده است. این دانشمند مخلوط ۳ گیاه اخیراً، در دفع سنگ کلیه، قولنج ها،

نفخ، بیماریهای کبدی و در استعمال خارج، در درمان برفک و غیره، بسیار مؤثر می دانسته است.

استفاده از این گیاه، در زمانهای بعد نیز ادامه داشته مانند آنکه جالینوس حکیم، آنرا برای رفع

درد ها، احساس گرفتگی و رفع تب مخصوصاً تب های صفراوی بکار می برده است.

در قرون وسطی، حتی با همه استفاده هایی که از این گیاه بعمل می آمده، هنوز گونه واقعی

آن معلوم نگردیده بود و اگر گیاه مورد استفاده در آن زمان به بابونه معمولی نسبت داده می شود.

منحصراً بیش از یک حدس نمی تواند باشد. از اواسط قرن ۱۵ میلادی، تدریجاً پی به تشخیص

این گیاه و اسانس آن برده شد و از آن زمان تا قرن حاضر، از آن بطور دقیق در درمان بیماریها

استفاده بعمل آمد مانند آنکه Dr. H. Leclerc (در سال ۱۹۲۳)، Alimale در سال ۱۹۲۵،

Arnold در سال ۱۹۲۷ و محققین دیگر، با توجه به سواد مؤثر گیاه، موفق گردیدند خواص

در سانی آن را در سواد عدیده معلوم دارند.

خواص در سانی - سدر، معرق، مقوی معده، بادشکن، اشتها آور، هضم کننده غذا، صفرابر،

قاعده آور و التیام دهنده است. اثر ضد عفونی کننده ضعیف ولی قاطع دارد بعلاوه مسکن درد و ضد

تشنج نیز می باشد.

اسانس آن، اثر ضد تشنج، بیحس کننده و ضد عفونی کننده دارد (Bing). با مصرف

آن تعداد گلبولهای سفیدخون نیز زیاد می‌گردد و چون از ترشح و التهاب‌های چرکین مخاطها، جلوگیری بعمل می‌آورد، از این نظر، به کاربردن آن در رفع بیوست‌هایی که مواددفعی مخصوصاً در قولون چپ جمع می‌گردد، اثر مفید ظاهر می‌کند.

از این اسانس برای معطر ساختن طعم بعضی اغذیه استفاده بعمل می‌آید.

اگر به شیر نوزادان، مقدار کمی از دم کرده کاپیتولهای گیاه افزوده شود، دل پیچه‌های ناشی از نفخ و حالات تشنجی کودک، رفع می‌گردد. طبق بررسی‌های Gibbs و Brow، تنظور گلهای این گیاه، اثر فعال در برقراری حالت قاعدگی و تنظیم آن ظاهر می‌سازد. دانشمندان دیگر نظیر Dr. H. Leclerc نیز در موارد تأخیر و قطع قاعدگی، از نظر درمانی به نتایج مشابه رسیدند.

تجارب مختلف نشان داده است که مصرف فرآورده‌های این گیاه، موجب مضاعف شدن ترشحات صفرا می‌گردد (Steinmetz).

در استعمال خارج، ضماد، لوسیون و حمام فرآورده‌های این گیاه، اثر قاطع در رفع بیماریها دارد بطوری که از آنها برای محفوظ نگه داشتن زخم از آلودگیها و بهبود آن، مخصوصاً زخمهای عمیق، فیستولها، زخم انگشتان، اولسر زانو، رفع التهاب و درمان ورم چشم و مخاط دهان، حلق و لثه‌ها می‌توان استفاده بعمل آورد. با تأثیر فرآورده‌های آن بر روی عضو، رفع ناراحتی و ورم بواسیر می‌گردد و بعلاوه ترك و شقاق مقعد نیز التیام می‌پذیرد.

حمام^(۱) گرم آن، طبق بررسیهایی که بعمل آمده، زخمها را ضد عفونی و التیام آنها را تسریع می‌نماید. حمام ویا لغاف فرآورده‌های این گیاه، اثر معالج در زخمهای واریسی، آگزماهای کهنه و خارش اشخاص سن دارد. تجربیات W. Arnold (در سال ۱۹۲۷) نشان داد که کاپیتولهای این گیاه، اثر جلوگیری کننده از پیشرفت التهابها و تسکین درد آنها دارد مشروط بر آنکه، دم کرده‌های آن به صورتی تهیه شود که اسانس کاپیتولها بر اثر تبخیر، از سایع خارج نگردد زیرا اثر درمانی دم کرده‌های مذکور، مربوط به اسانس آن است که ضمن فراخ نمودن عروق سوئی، موجبات درمان را فراهم می‌سازد.

از گرد گلهای این گیاه می‌توان به صورت پاشیدن بر روی عضو، اثر مفید در رفع آگزماهای مرطوب و دردناک و کچلی کودک کان به دست آورد.

جوشانده کاپیتولهای گیاه، برای شفاف و طلائی رنگ کردن سوهای بور و بور کردن

۱- منظور از حمام، در تمام مواردیکه در این کتاب بدان برخورد می‌شود، قرار دادن تمام بدن و یا عضو بیمار در محلولات داروئی است.

سوهای بلوطی بکار می‌رود^(۱) و از این نظر نیز شهرت جهانی دارد. این جوشانده علاوه بر تغییر رنگ سو، اثر ضد عفونی کننده و رفع طفیلی‌های پوست سر نیز دارد. عصاره حاصل از کاپیتولها این گیاه، برای ضد عفونی کردن مخاط دهان و لثه‌ها پس از دندان کشیدن، و پماد آن برای جلوگیری از آلودگی زخم‌ها و بهبود جوشها، سوختگی‌ها، جراحات، خراش و همچنین ترك پوست و نظائر آن بکار می‌رود.

صور داروئی - دم کرده ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری گلهای گیاه به مدت ۱ دقیقه در ۳ فنجان آب برای مصرف در ۲ یا ۳ مرتبه در روز مخلوط گرد کاپیتولهای گیاه با قند به مقدار ۴ تا ۶ کاشه در ۲ ساعت تنظور به مقدار ۱ قطره بر روی یک حبه قند (برای اطفال)، ۲ تا ۳ قطره تنظور را در کمی آب یا شیر ریخته و ۲ مرتبه در روز می‌خورانند) - جوشانده ۵ تا ۱۰ گرم آن در یک لیتر آب برای تغییر رنگ سوی سر (مدت جوشاندن در آب باید ۲ دقیقه باشد) - جوشانده‌های نسبتاً غلیظ برای شستشوی زخمها و اولسرها جهت بهبود و التیام آنها.

آزولن موجود در اسانس این گیاه (کامازولن Camazulene)، اثر التیام دهنده و آنتی-فلوژستیک دارد. بررسی‌های متعدد نشان داده است که این ماده اثر قاطع در رفع حالات التهابی پوست ظاهر می‌کند بطوریکه در درمان آگزما، اولسر ساق پا، خارش‌های سهیلی، کهیر و همچنین در مصارف داخلی در رفع کاستریت‌های مزمن، ورم روده بزرگ، ورم مثانه و بعضی حالات آسم مؤثر واقع می‌شود.

اثر میکروب کشی آزولن به پایه‌ای است که محلول ۰.۰۰۰۰۰۱ آن اثر قاطع بر روی استافیلوکوکک طلائی و استرپتوکوکک همولیتیک دارد. زخمهای چرکین با شستشوی محلول ۰.۰۰۰۰۰۱ تا ۰.۰۰۰۰۰۱ آن ضد عفونی می‌شود.

آزولن در تهیه بعضی صابون‌های بهداشتی، کرم‌ها و لوسیون‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

محل رویش - این گیاه در لرستان، بین خرم‌آباد و دورود Dow Rud، حسینیه در ۲۸ کیلومتری شمال غربی اندیشک، خوزستان: صالح آباد، هفت گل، شوشتر، رامهرمز، اطراف تهران و دساوند می‌روید.

گونه‌های مختلف زیر و انواع دیگر که هیچیک در ایران نمی‌رویند، دارای اختصاصات درمانی به شرح زیر می‌باشند:

۱- *M. inodora* * گیاهی است علفی که در نواحی مختلف اروپا می‌روید، اثر

1 - P. Delaveau, Aqualités pharmaceutiques No. 194, Dec. (1982).

مقوی، مقوی معده، بادشکن و حشره کشی دارد. ریشه اش دارای بوی قوی و ناپسند است.
۲- *M. discoidea* DC. * گیاهی است علفی و چند ساله که در بعضی از نواحی شمال آسیا، شمال آمریکا و سراسر منطقه اروپا می روید. اثر ضد کرم دارد و از آن برای دفع کرمهایی نظیر اسکاریس ها، اکسیورها و تریکوسفال ها، استفاده بعمل می آورند.

۳- *M. multiflora* Fenzl. * - گرد کاپیتولها و یادم کرده آن، در افریقا جهت دفع کرم و به عنوان مقوی مصرف می شود.

۴- *Helichrysum adenocarpum* DC. * ، در نواحی جنوبی افریقا می روید و بومیان محل رویش از آن برای اسهال و استفراغ اطفال استفاده بعمل می آورند.

H. articulatum Less. * ، در نواحی جنوبی افریقا می روید و اثر نرم کننده دارد. دم کرده آن برای رفع ناراحتی های سینه بکار می رود.

H. crispum Less. * ، در نواحی غربی کاپ از آن جهت رفع ناراحتی های قلبی، درد کمر و ناراحتی های کلیه استفاده می شود.

H. imbricatum Less. * ، در کاپ می روید و بومیان محل رویش گیاه، دم کرده آنرا بعنوان نرم کننده سینه، رفع سرفه و نزله در برونشیت بکار می برند.

H. psilolepis Harv. * ، در افریقای جنوبی، ناحیه ای به نام Sotho می روید و از آن جهت رفع دردهای قاعدگی استفاده می شود.

Antennaria dioica (L.) Gaertn.

Gnaphalium dioicum L. ، *Cyttarium dioicum* Peterm.

فرانسه : Hispidule ، Cottonnière - Immortelle ، Patte de chat ، Pied de chat
انگلیسی : Pie di gatto ، Mountain everlasting ، Cat's ear ، Cat's foot
آلمانی : Chatza-dapli ، Katzendapplein ، Ruhrkraut ، Gemeine katzenpfötchen
عربی : رجل القط

گیاهی است پایا، به ارتفاع ۵ تا ۲۰ سانتیمتر و پوشیده از کرکهای پنبه ای با ظاهر سفیدرنگ که به حالت وحشی در دشتهای خشک، جنگلهای غیر انبوه، تپه های شنی و دانه ها آفتابگیر کوهستانهای غالب نواحی اروپا و آسیا، مانند سیبری، ارمنستان قفقاز و همچنین رشته کوههای رشوز و برخی نواحی آمریکای شمالی می روید و بعلاوه پرورش می یابد. از مشخصات آن دارا بودن ساقه زیر زمینی ششجی است که از آن، ساقه های خزنده متعدد منشاء می گیرند.

هریک از ساقه های اخیر نیز به یک دسته از برگهای گسترده در سطح زمین ختم می شود. برگهای طول ساقه این گیاه، باریک و بدون دمبرگ می باشد درحالی که برگهای قاعده ساقه آن، بیضوی-شکل و بزرگ تر است. کاپیتولهای آن ۲ پایه و دارای وضع مجتمع به تعداد کم با ظاهر دیهیم ساده یا مرکب است و در اردیبهشت و خرداد در رأس ساقه گیاه ظاهر می شود. هر یک از این کاپیتولها را نیز انولوکری مرکب از چند ردیف برا کته فراسی گیرد که در پایه های نر، به رنگ سفید یا گلی (بندرت سایل به قهوه ای) ولی در پایه های ماده، به رنگ گلی (بندرت قرمز سایل به قهوه ای) است. از این جهت پایه های دارای کاپیتولهای نر را Pied de chat blanc و پایه های ماده را Pied de chat rouge می نامند.

نهنج کاپیتولها، منحصرأ شامل گلهای لوله ای (۱) است. نوع نر کاپیتولها، گلنایی با ه پرچم و یک مادگی رشد نیافته و غیر زایا دارد که چند تار کوتاه هر یک را فرا می گیرد درحالی که در نوع ماده آنها، تارهای مذکور بلندتر از جام گل است و درون جام هر یک از گلهای آن نیز، مادگی شامل یک تخمک دیده می شود که آن هم پس از رسیدن کامل، به یک دانه مبدل می گردد.

میوه آن فندقه، تقریباً استوانه ای شکل، بی کرک و منتهی به یک دسته تار در ناحیه رأس است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، کاپیتولهای آن است که انواع نر و ماده آن، به صورت مخلوط در بازرگانی عرضه می شود ولی اگر به صورت جدا شده از هم، در معرض استفاده قرار گیرد، نوع ماده آنها که معمولاً عطری بیشتر دارد برنوع نر کاپیتولها ترجیح داده می شود.

ترکیبات شیمیائی - کاپیتولهای این گیاه دارای موسیلاژ، تانن، به مقدار بسیار جزئی از اسانس و نوعی الکلوتید است.

خواص درمانی - کاپیتولهای این گیاه اثر نرم کننده سینه، قابض، تب بر، صفرا بر و التیام دهنده دارد. دم کرده آن برای تسکین و رفع سرفه و همچنین درمان بیماریهای نزله ای در حالات مزمن بکار می رود.

بررسی دانشمندی نظیر K. Petrowa (در سال ۱۹۳۱) نشان داد که با مصرف کاپیتولها، ترشحات صفرا افزایش می یابد و از این جهت می توان از آنها در بیماریهای مزمن

۱- *Gnaphalium* ها، کاپیتولهای مرکب از گلهای لوله ای دارند که گاهی در حاشیه آنها، گلهای نازک و نخ شکل ماده دیده می شود. این گیاهان و جنسهای دیگری مانند *Antennaria* و *Helichrysum*، دارای گلهای مشابه اند.

دستگاه دفع صفرا و رفع زردی استفاده بعمل آورد .

در استعمال خارج، له شده کاپیتولها در رفع کوبیدگیها و آماس، اثر مفید ظاهر می نماید.

صور داروئی - دم کرده ۱۰ تا ۳۰ در هزار - جوشانده . . ۱ گرم کاپیتول در یک لیتر آب

به عنوان صفرا بر .

کاپیتولهای این گیاه در فرسول بعضی از فرآورده های داروئی مانند اسپس پکتورال و

اسپس و ولنر وارد می شود.

این گیاه در ایران نمی روید.

A. carpatica R. Br. * ، که در ارتفاعات ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری کوههای آلپ

و پیرنه می روید، اثر درمانی مشابه دارد.

G. japonicum DC. ، گیاهی به ارتفاع ۳۰ تا

۴۰ سانتیمتر، پوشیده از کرک های پنبه ای و دارای برگهای متناوب، کامل و دراز، در قسمت های

بالای ساقه است. گل های زرد طلائی به حالت مجتمع و نزدیک بهم دارد. در چین ژاپن می روید.

ساقه های جوان و برگ آن ، طعم شیرین و مصارف درمانی دارند و از آنها به عنوان رفع سرفه

و خلط آور به مقدار ۴-۷ گرم در روز استفاده بعمل می آید.

G. obtusifolium L. * ، **G. polycephalum Michx.** - گیاهی یکساله و دارای

ساقه راست، پرشاخه، پوشیده از تازهای سفید و به ارتفاع یک تا ۳ متر است. گل های کوچک،

لوله ای به رنگ زرد و برآکنه های سفید و فشرده بهم دارد. در جنوب کالیفرنیا، شمال کارولینا ،

کانزاس و تکزاس می روید. اعضای هوائی گیاه، بوی معطر و مطبوع دارد و از آن ماده ای به

نام **گنافالین gnaphaline** و منواتیل گنافالین ، توسط Wagner و همکارانش استخراج شده

است .

جویدن برگ های گیاه و بلعیدن شیره آن اثر قابض ظاهر می کند و درد گلو را درمان

می نماید (Morton. J. F.) .

Filago germanica L. که در غالب نواحی شمالی ایران ، مخصوصاً لاهیجان و

زیارت گران، شیراز در اطراف تخت جمشید، بلوچستان، لرستان و شهبازان در . . متری می روید،

اثر درمانی مشابه دو گیاه اخیر را دارد.

گونه های دیگری از **Filago** نیز، در طب عوام به مصارف درمانی می رسند.

Tussilago Farfara L.

فرانسه : Pied de poulain, Bechion, Pied de cheval, Tussilage, Pas d'âne

انگلیسی : Ass's foot, Cough - Wort, Feal's - foot, Farfara, Colt's - foot

آلمانی : Gemeiner Huflattich, Maerzblumen, Huflattig, Huflattich

ایتالیائی : Piè d' asino, Fararello, Passo d' asino, Farfaro, TussilagGINE

فارسی : **پای خور** - عربی : فرفه ، دوست الحمار

گیاهی است پایا، دارای ریشه قوی و گوشتدار، به رنگ سفید مایل به قهوه ای و به ضخامت انگشت که در نواحی سرد و معتدله اروپا و همچنین در برخی نقاط آسیا مانند ایران می روید. در آغاز بهار، قبل از پیدایش برگ، ساقه های کوچکی از گیاه بظهور می رسد که هر یک به یک کاپیتول منتهی می گردد. سراسر طول ساقه ها را نیز، برگ های فلج مانند، باریک، دراز و نوک تیز می پوشاند. در قاعده ساقه و مجاور سطح زمین ، پس از مدتی برگ های نسبتاً بزرگ با دمبرگ دراز و پهنک بیضی دندانه دار (دندانه های فاصله دار و نامساوی) بوجود می آید. سطح فوقانی پهنک این برگها ، به رنگ سبز ولی سطح تحتانی آنها به علت پوشیده بودن از کرک های ظریف فراوان ، به رنگ سبز مایل به سفید است. از مشخصات ساقه های گلدار این گیاه آن است که پس از ظاهر شدن کامل کاپیتولها، قسمت انتهائی ساقه ها، مجموعاً به سمت پائین خمیدگی حاصل می کند.

در هر کاپیتول آن ، ۲ نوع گل زرد رنگ دیده می شود یکی کناری و مرکب از ۲ یا ۳ ردیف که عموماً ماده اند و دیگری مرکزی که هرما فرودیت ویا نر می باشند. انولوکر کاپیتولها، منحصرأ شامل یک ردیف برآکنه است.

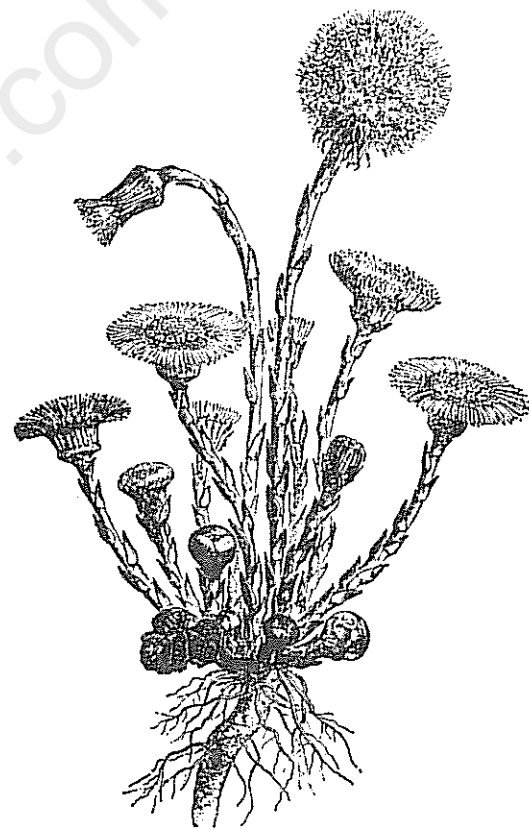
میوه آن فندقه و دارای یک دسته تار ظریف در قسمت انتهائی است.

بعضی از پایه های این گیاه، ۲ مرتبه در سال گل می دهد. گل های آن نوش کافی بوجود می آورند و پیوسته مورد استفاده زنبور عسل قرار می گیرند.

قسمت مورد استفاده این گیاه که در داروخانه بنام **توسیلاژ Tussilage** معروف است، کاپیتولهای آن است که قبل از شکسته شدن، باید چیده شود و در سایه خشک گردد. برگ گیاه نیز دارای اثرات درمانی مشابه کاپیتولهاست.

ترکیبات شیمیائی - گل های این گیاه دارای ۶ ر. درصد تانن، دونوع فیتوسترین، ماده ای به نام **فارا دیول faradiol** ، اسیدهای مالیک، وینیک و گالیک، به مقدار بسیار جزئی اسانس، موسیلاژ، پنتوز و گالاکتوز است. از هیدرولیز موسیلاژ آن، موادی نظیر گالاکتوز، گلوکز، آرابینوز، گزیلوز (xylose) و اسیدهای اورونیک acides uroniques (معادل ۷ درصد) به دست به دست می آید. در برگ آن غیر از مواد مذکور، گلوکزید تلخی به مقدار ۳-۴ درصد و در ریشه آن، علاوه بر ترکیبات فوق، اینولین وجود دارد.

از برگ این گیاه معادل ۴ ره تا ۱۸۲ در صد خاکستر برجای می ماند که طبق بررسی های Strasser ، دارای ۲۸۲۳ درصد اسلح پتاسیم، ۲۳۶ سدیم، ۲۱۱۰ درصد کلسیم، ۸۸۶ منیزیم، فسفر ۴۴، آهن ۰۲، گوگرد ۲۶۱۷ و اسید سالیسیلیک ۷۸۲ درصد است. بررسی های جدید (۱) وجود الكالوئیدهایی مانند سن کپیرکین senkirkine و توسیلاژین tussilage را در این گیاه محقق نمود که در سال ۱۹۸۱ از نمونه های متعلق به نواحی شرقی اروپا استخراج شد (الكالوئید اول، نخستین بار از Senecio kirkii به دست آمد). رنگ زرد



ش ۲ - Tussilago Farfara : گیاه کامل گلدار به اندازه طبیعی

کاپیتول ها نیز مربوط به کاروتنوئیدها (Carotenoides) و فلاوونوئیدهای مشتق از کمفرول Kaempférol و کوئرستول quercetol می باشد. توسیلاژ با آنکه به علت دارا بودن الكالوئیدهای مذکور، گیاهی سمی اظهار گردیده

بعهدا بعلت جزئی بودن مقدار درصد الكالوئیدهای مذکور، این نظریه مورد تایید قرار نگرفته است. خواص درمانی - استفاده از این گیاه، قرنهای متمادی است که بین سردی جهان معمول بوده است با این تفاوت که در آن زمانها، به جای کاپیتول، از برگ و ریشه گیاه استفاده بعمل می آورده اند. مانند آنکه ریشه و برگ گیاه را به صورت بخور دادن برای رفع سرفه های خشک و درمان آبه ها و له شده برگها را در عسل، به صورت ضماد برای مداوای باد سرخ و تمام موارد التهابی بکار می برده اند.

در قرون وسطی و زمانهای بعد از آن، از اعضای گیاه برای معالجه ناراحتیهای دستگاه هضم مخصوصاً معده و ازگلهای آن (کاپیتولها)، برای رفع سرفه و بیماریهای سینه استفاده بعمل می آمده است.

با آنکه کلیه قسمتهای گیاه اثر درمانی دارد معهدا در قرن حاضر، گلهای آنرا بیشتر مورد توجه قرار می دهند.

از کاپیتولهای گیاه به علت اثر خلط آور و نرم کننده که دارد، برای رفع لارنژیت، برونشیت، گریپ، سرفه، درمان حالات نزله ای و بیماریهای مختلف سینه و آسم (Pline ، Dioscoride ، Deschamps) استفاده بعمل می آید. در رفع تب و بیماریهای کلیه و مثانه نیز اثر مفید از آن به دست می آید.

برگ و ریشه گیاه ترکیب شیمیائی و اثرات درمانی مشابه گلها دارند. تجارب مختلف نشان داده است که اشخاص مسن مبتلا به برونشیت های مزمن، اگر برگ گیاه را به صورت سیگار دود کنند به علت تأثیری که بر روی مخاط دستگاه تنفسی دارد، باعث سهولت خروج اخلاط از سینه می شود بعلاوه در رفع تنگی نفس نیز تأثیر می نماید.

اصولا نام Tussilage که به این گیاه داده شده است از دو کلمه Tussis به معنی سرفه و Agero به معنی دفع، مشتق شده است.

برگ و کاپیتول های گیاه دارای اثر رفع ورم گانگلیون های لنفاوی و زمینه های خنازیری است (Bodard و Deschamps).

در استعمال خارج، برگها تازه یا پخته شده آنرا در شراب و یا له شده آنرا مخلوط در عسل، به صورت ضماد بر روی دمل، جهت سرباز کردن آن، بکار می برند. برگها و کاپیتول های توسیلاژ در رفع سوزا، ناراحتی های پوستی مربوط به پوست سر، درمان عرق پا، خیزپا (oedeme) و تومورها مؤثر است.

گل‌های این گیاه در فرمول اسپس پکتورال (Espèces pectorales) و اسپس و ولنزر وارد می‌گردد.

برگ گیاه به علت داشتن مقدار زیاد گوگرد، در تأمین سلامت پوست سر، درمان کچلی و درماتوزهای مختلف، اثر مفید ظاهر می‌کند.

صورت دارویی - دم کرده. ۲ تا ۳ در هزار گل (مدت دم کردن ۱ دقیقه) به مقدار ۲ تا ۴ فنجان در روز (در تهیه این دم کرده باید توجه گردد تا به خوبی صاف شود زیرا در غیر این صورت تارهای ظریف نهنج گل، موجبات تحریک شدید گلورا فراهم خواهد ساخت) - شیر تازه گل یا برگ به مقدار ۳ تا ۶ گرم (حتی بیشتر) مخلوط در عسل یا شیر - جوشانده ۵ تا ۶ در هزار برگهای خشک گیاه به مقدار ۳ تا ۳ فنجان در روز (در فاصله هردو غذا) - جوشانده ۵ تا ۱۰ در هزار برگ خشک یا ریشه گیاه به منظور تهیه لوسیون و بخور - خیسانده برگ گیاه جهت قراردادن بر روی زخم‌ها، تومورها و سوختگی‌ها.

بهداشت پوست

دم کرده ۱۰ گرم توسیلاژ در یک لیتر آب جوش (مدت دم کردن ۱۰ دقیقه)، اثر نرم‌کننده و حفاظت پوست بدن را دارد از این جهت به صورت کمپرس بر روی پوست صورت و ناحیه گردن اثر داده می‌شود.

برگ این گیاه به علت دارا بودن مقدار زیاد گوگرد در سلامت پوست سر، درمان کچلی و درماتوزهای مختلف تأثیر مفید دارد.

۱- نسخه جهت رفع سرفه (اسپس پکتورال):

از گل‌های خشک شده گیاهانی مانند پنیرک، ختمی، *Antennaria dioica*، توسیلاژ، شقایق، بنفشه و *Verbascum Thapsus* (بویون بلان)، دم کرده‌ای به مقدار ۱۰ گرم از هر کدام در یک لیتر آب تهیه می‌شود (کدکس). این جوشانده سابقاً مصارف زیاد در رفع سرفه و ناراحتی‌های سینه داشته است.

۲- شربت خلط آور

عصاره روان توسیلاژ (*Tussilago Farfara*) ۵ گرم
شربت پرسیاوشان به مقدار کافی تا ۴۰ میلی‌لیتر

به مقدار ۴ قاشق سوپخوری در روز مصرف می‌شود.

۳- شربت خلط‌آور و آرام‌کننده

عصاره روان توسیلاژ ۵ گرم
شربت دیاکد (*Diacode*) ۵۰
آبمقطر کاهو (هیدرولا) ۵۰
آبمقطر تیول « به مقدار کافی تا ۱۵۰ میلی‌لیتر

۴- دم کرده برای رفع گرفتگی صدا

گل توسیلاژ ۳ گرم
گل پنیرک ۳
ریشه ختمی ۱۵
دانه کتان (در یک *Sachet*) ۱۵
شیرین بیان ۴

مخلوط فوق را در یک لیتر آب جوش وارد کرده به مدت نیم ساعت دم نمایند و سپس به مقدار دلخواه مصرف کنند.

۵- تیزان جهت رفع آئزین و ورم لوزه و حنجره

سرشاخه گلدار *Agrimonia eupatorioides* ۳۰ گرم
گل بویون بلان (*Verbascum Thapsus*) ۱۰
گل شقایق ۱۰
سرشاخه گلدار توذریج (*Sisymbrium officinale*) ۳۰
برگ و سرشاخه گلدار (*Nepeta glechoma*) ۳۰
گل پنیرک ۱۰
توسیلاژ (*Tussilago Farfara*) ۱۰

مخلوط اعضای گیاهان فوق را به مقدار ۳ گرم در یک لیتر آب جوش وارد کرده به مدت ۱۰ دقیقه دم کنند و سپس قند یا عسل اضافه نمایند تا کمی شیرین شود. از این تیزان می‌توان جهت رفع آئزین، ورم لوزه و التهاب حنجره (لارنژیت) در هر دفعه یک فنجان و بدفعات در شبانه روز مصرف نمود.

توضیح آنکه ردیف پنجم یعنی *N. glechoma* در ایران یافت نمی‌شود که می‌توان از بکار بردن آن صرف نظر کرد (*R. Dextreit*).

در محل رویش - غالب نواحی ایران، شمیرانات، راه چالوس - سیاه‌پیشه و دامنه‌های مرطوب کندوان.

Petasites hybridus Gaertn.

P. officinalis Moench. ، Tussilago Petasites L.

فرانسه : Chapelière ، G. bonnet ، Grand-Taconnet، Pétasite vulgaire
 انگلیسی : Pestwurz ، Echte pestwurz ؛ Bog rhubarb ، Butter-bur ؛ آلمانی
 ایتالیائی : Farfaraccio، Cavolaccio، Fior di cipresso، Tossilagine-maggiore
 عربی : حشيشة القرعان

گیاهی است علفی و دارای ساقه‌ای راست که در آغاز، ارتفاعی بین ۱۰ تا ۴۰ سانتیمتر دارد ولی هنگامی که گل‌های آن ظاهر می‌گردد، به ارتفاع ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر می‌رسد. در قاعده ساقه آن پس از ظاهر شدن گل‌ها، برگ‌هایی بسیار بزرگ بادسبک دراز بوجود می‌آید. پهنک برگ‌های آن، ظاهری تقریباً قلبی شکل با کناره دنداندار دارد. کاپیتول‌های آن در پایه‌هایی که غالب گل‌های آن نر- ماده (هرما فرودیت) است، وضع فشرده دارد و مجموعاً به صورت بیضوی یا استوانه جلوه می‌کنند ولی در پایه‌هایی که غالب گل‌های کاپیتولها ماده‌اند، کاپیتولها عموماً کوچک‌سی باشند و مجموعه آنها نیز گل‌آذین خوشه‌ای درازتر از نوع اولی بوجود می‌آورند.

گل‌های واقع بر روی کاپیتول‌های این گیاه، به رنگ صورتی، گلی یا ارغوانی و بندرت سفید-رنگ‌اند.

این گیاه در کنار رودخانه‌ها، چشمه‌سارها، دشت‌های سرطرب و دامنه کوهستانها تا ارتفاعات ۱۴۰۰ متری می‌روید. پراکندگی آن نیز به صورتی است که در غالب نواحی اروپا، مغرب آسیا، سبیری و نواحی مختلف دیگر یافت می‌شود.

ظاهر کلی گیاه که برگ‌های بسیار بزرگ و ساقه حاصل کاپیتول‌ها، واقع در بین برگ‌ها دارد بهترین وسیله تشخیص آن است.

در پایه‌های مختلف آن، به تناسب شرایط متفاوت محیط زندگی، نمونه‌های غیر مشابه که خود نوعی غیر طبیعی بودن را نشان می‌دهد، مشاهده می‌شود.

قر کیمبات شیمیائی- ریشه و اعضای زیرزمینی این گیاه، دارای ۷۰ درصد گلوکز، ۸۰ درصد ساکارز، ۲۴ درصد هیدرات‌های کربن مشابه اینولین، ۳۰ درصد اینولین و ۱۲۸۰ درصد سواد پکتیک است.

در بقیه قسمت‌های گیاه، معادل ۱۰ درصد اسانس و سواد نفییر موسیلاژ، یکک رزین، دکسترین، تانن، یکک ماده تلخ، سواد آلبومینوئیدی و غیره یافت می‌شود.

ریشه آن بوی ناسطیوعی شبیه بوی ساس دارد (۱).



ش ۴۴- Petasites hybridus : گیاه کامل گلدار به اندازه طبیعی (Bail.)

۱- Petasites ها با آنکه عموماً کاپیتول‌هایی مرکب از گل‌های لوله‌ای دارند و فقط معدودی از گل‌های حاشیه نهج آنها، دارای ظاهری متفاوت است معهداً مانند Tussilago ها، در بین گیاهان Radiceae جای داده می‌شوند که در این کتاب بنحوی که قبلاً ذکر گردید، در بین توپولیفلورها (Tubuliflorae) شرح داده شده است.

Solidago Virgaurea L.

S.cambrica Huds. ، S. serratifolia Bor.

- فرانسه : Verge d'or، Verge dorée ، S. d' or ، Solidage des bois
 انگلیسی : Golden Wings Common golden rod ، Golden rod
 آلمانی : Echte Goldrute ، Gemeine Goldrute ، Goldrute
 ایتالیائی : Verga aurea ، E. Pagana ، Erba giudaica ، Verga d'oro
 عربی : قصب ذهب

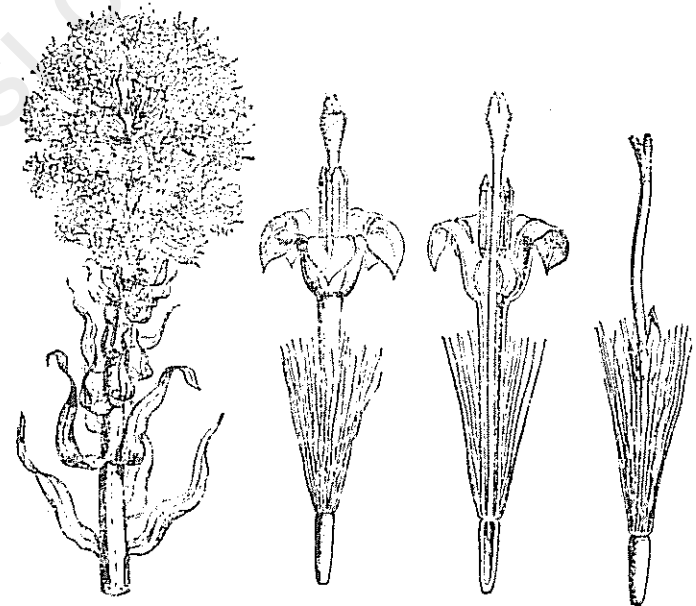


ش ۶-۴ Solidago Virgaurea : دو قسمت از سرشاخه گلدار و برگدار گیاه
 به اندازه‌های طبیعی

گیاهی است پایا و به ارتفاع ۶۰ سانتیمتر تا یک متر که به حالت وحشی در جنگلهای نواحی خشک، اماکن عاری از درخت جنگلهای، چمنزارهای طبیعی و نواحی سنگلاخی می‌روید. پراکندگی آن به صورتی است که در غالب نواحی اروپا تا حد ۲۸۰۰ متری ارتفاعات آلپ، بعضی

خواص درمانی- از این گیاه سابقاً برای درمان بیماری طاعون استفاده بعمل می‌آمده است ولی امروزه مصرف آن بکلی متروک شده است.

ریشه و جوشانده برگهای گیاه سابقاً به عنوان سدر، معرق، قابض و ضد کرم مصرف می‌شده است و دم کرده ۲ تا ۳ در هزار آنها در بیماریهای ریوی، نزلهای ششی، سرخک، سخمک، سرفه، گرفتگی صدا، نقرس و غیره بکار می‌رفته است. قطعات پینک برگ این گیاه بر روی محل سوختگی‌ها جهت رفع آن و تسکین ناراحتی‌های ناحیه مستقیم پوست بدن قرار داده می‌شود. برای گرد برگهای خشک شده آن، اثر التیام دهنده زخمهای دیر علاج قائل اند.



ش ۷-۴ Petasites hybridus : گل آذین، گل در برش طولی

بهداشت پوست

دم کرده ۱ گرم از گلهای گیاه به مدت یک ربع ساعت در یک لیتر آبجوش، اثر نرم کننده و سالم نگهدارنده، بر روی پوست‌های لطیف و حساس دارد. برای اینکار از دم کرده مذکور به صورت کمپرس نیمگرم، جهت نرم نگهداشتن پوست، گردن و صورت، و حفظ سلامت و بهداشت آنها استفاده بعمل می‌آورند.

محل رویش: گرگان: زیارت و بندرگز.

نقاط آسیا و امریکای شمالی یافت می‌شود بعلاوه به علت گل‌های زیبا و مجتمعی که دارد پرورش نیز می‌یابد.

این گیاه، ریشه‌ای دراز و منشعب و برگ‌هایی ساده، بیضوی دراز، نوک‌تیز و کمی خشن دارد. کاپیتول‌های متعدد آن به رنگ زرد، مجتمع به صورت خوشه و مرکب از دو نوع گل، یکی لوله‌ای، نر- ماده و دیگری زبانه‌ای و ماده است. گل‌های اخیر، به درازای یک سانتیمتر بوده در حاشیه نهنج، منظره زیبا برای آن بوجود می‌آورند. در خارج کاپیتولها، انولوکری مرکب از براکته‌های ناساوی با حاشیه نازک و غشائی دیده می‌شود ضمناً در فاصله کاپیتولها، برگ‌های منفرد و کوچک جای دارد که به تناسب نزدیک شدن به رأس گل‌آذین، ابعاد آنها، کوچکتر و باریکتر می‌گردد.

سیوه آن فندقه، به رنگ زرد، پوشیده از تار و دارای زوایای مشخص است.

زنبور عسل، تمایل بسیار به گل‌های فراوان این گیاه و نوش آن دارد و پیوسته به سمت گل‌آذین آن هجوم می‌آورد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، ریشه و سرشاخه‌های گلدار آن است ولی ریشه گیاه طبق بررسی‌های Knekow، اثر درمانی بیشتری دارد.

ترکیبات شیمیائی- کلبه قسمتهای گیاه دارای تانن (مخصوصاً گلها)، سوسیلانز، سوادتلخ، به مقدار کم اسانس، یک ساپونین، نوعی الکلوتئید و اسید سالیسیلیک است. در ریشه‌اش، اینولین نیز یافت می‌شود. سیوه آن دارای حدود ۱۰ درصد روغن قابل استخراج می‌باشد که حالت روان دارد.

اسانس سرشاخه‌های گلدار، دارای بورئول و پینن است.

خواص درمانی- سدر، آرام کننده، قابض و بادشکن است از این نظر در رفع اسهالهای

ساده، ورم روده و بطور کلی در رفع ناراحتی‌های دستگاه هضم که با بروز حالات اسهالی همراه است اثر مفید ظاهر می‌نماید. مصرف آن برای درمان اسهال سنولین و کودکان، در زمان ظاهر شدن دندانان توصیه گردیده است.

با مصرف فرآورده‌های این گیاه نه تنها التهاب مخاط دهان بلکه التهاب دستگاه هضم و مجاری ادرار نیز معالجه می‌گردد بعلاوه خونریزیهای داخلی درمان می‌یابد.

فرآورده‌های این گیاه دارای اثر دفع اوره و کاهش کلسترول خون است. در درمان بیماریهای عفونی مجاری ادرار (کلی باسیلوز، ورم مثانه، ورم کلیه‌ها) و دفع سنگ کلیه (اوراتها) اثر معالجه دارد.

در استعمال خارج، مصرف جوشانده برگ‌های خشک گیاه به صورت غرغره، جهت رفع التهاب مخاط دهان، درد گلو و ورم نته‌ها بکار می‌رود. گرد برگ‌های خشک گیاه اگر بر روی زخم و جراحات پاشیده شود، در خشکاندن ترشحات و بهبود آنها اثر می‌نماید. قطعات له شده برگ گیاه نیز در طب عوام، جهت مداوای زخم بر روی آن قرار داده می‌شود.

صورت دارویی- جوشانده ۱ تا ۵ در هزار سرشاخه گلدار یا ریشه به مقدار ۳ تا ۵ فنجان در روز، بین هردو غذا (پس از ۲ دقیقه جوشاندن، به مدت ۱ دقیقه دم کنند) - شربت حاصل از جوشاندن ۱۰۰ گرم سرشاخه گلدار خشک در یک لیتر آب و افزودن ۱۶۰ گرم قند، برای درمان بیماریهای کودکان، به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر ساعت (Dr. H Leclerc) - تنطور حاصل از خیساندن ۲ قسمت سرشاخه گلدار تازه گیاه در ۱۰۰ قسمت الکل ۳۰ درجه، به مقدار دو قاشق قهوه‌خوری در روز- جوشانده ۵ تا ۱۰ در هزار گیاه برای مصرف در استعمال خارج.

برای جلوگیری از کاهش اثر درمانی فرآورده‌های این گیاه، ۱۰۰ گرم سرشاخه گلدار تازه آنرا در نیم لیتر آب به سلایمت می‌جوشانند بطوری که محلول به نصف مقدار اولیه، کاهش حاصل کند سپس آنرا در شیشه‌های دربسته محفوظ نگهداشته، در موقع احتیاج، ۱ تا ۳ قاشق آنرا در شربت ساده و یا دم کرده زیرفون حل کرده مصرف می‌نمایند (Botan).

محل رویش- گیلان: نواحی مجاور دریای خزر، اسالم، بین اسالم و خلخال در ارتفاعات ۳۵۰ متری، دره لیزار، سازندران؛ بین نمازیه و زانوس، منطقه کجور در ۲۸۰۰ متری، کلاردشت در ۱۶۶۰ متری، نی دشت در نزدیکی راسر در ۱۰۰۰ متری، پل زنگوله در ۲۳۰۰ متری، سیاه بیشه در دره چالوس (ارتفاعات ۱۵۰۰ - ۲۲۰۰ متری)، نزدیک اهر. آذربایجان: قره‌داغ، علی‌آباد در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی کالیبار در ۲۳۰۰ - ۲۵۰۰ متری.

دو گیاه زیر که هیچیک از آنها در ایران نمی‌رویند، اثر درمانی تقریباً مشابه با گونه فوق دارند.

۱- *S. canadensis* L. *، برگ و ساقه پوشیده از تارهای ریز دارد و در امریکای شمالی می‌روید.

۲- *S. serotina* Ait. *، در امریکای شمالی می‌روید و ارتفاع آن از ۲ متر تجاوز می‌نماید.

هر دو گونه فوق، در ردیف گیاهان مفید سولد عسل جای دارند و بیشتر به علت سدر بودن، مورد استفاده‌های درمانی قرار می‌گیرند.

Conyza canadensis* (L.) Cronq.Erigeron canadensis* L.

فرانسه : Fausse Camomille , Vergerette du Canada , Erigeron de Canada
 انگلیسی : Kanadisches Berufskraut : Canada Fleabane , Houe-Weed
 ایتالیائی : Impia , Saepola

گیاهی است علفی، یکساله و به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر و حتی بیشتر که به حالت خودرو در مزارع، جنگلها، پای دیوارها و اماکن مخروبه می‌روید. برگهای آن باریک و دراز



ش ۷- *Conyza canadensis* : دو قسمت از یک گیاه کامل به اندازه‌های طبیعی

وساقه آن در قسمت‌های انتهائی، منشعب به تقسیمات متعدد و منتهی به کاپیتولهای بسیار کوچک به پهنای ۳ تا ۵ میلی‌متر است. در هر کاپیتول آن دونوع گل، یکی لوله‌ای به رنگ زرد و دیگری زبانه‌ای و به رنگ سفید کدر دیده می‌شود. براکته‌های کاپیتولهای آن، باریک و دارای حاشیه نازک و غشائی است.

همه اندامهای این گیله به علت پوشیده بودن از تار، به رنگ خاکستری مشخص جلوه

می‌کند.

قسمت مورد استفاده این گیاه، کلیه اندامها مخصوصاً برگهای آن است.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه دارای تانن، اسید گالیک، سوادرزینی، ساده‌ای با اثر احتمالی مخدر (H. Schulz) و ۳۳.۰ تا ۶۶.۰ درصد اسانس (در گیاه خشک معادل ۲۶.۰ درصد) است که پس از استخراج، حالت بیرنگ یا رنگ زرد روشن و بوئی به طور محسوس شبیه بوی اسانس زیره دارد و ترکیب از لیمونن راست (d - limonene) به مقدار کم از سیترونللول، ترپینول و ماتن Menthène است.

این اسانس که به اسانس اری ژرون (Oil of erigeron) یا اسانس فلی بین (Oil of Fleabane) نیز موسوم است، بر اثر کهنگی و مجاورت با هوا، رنگ تیره پیدا می‌کند. بوی مخصوص و معطر دارد. در آب و درهم حجم خود الکل حل می‌شود. در کلروفورم و اتر به مقدار زیاد محلول است. باید در شیشه‌های کاملاً دربسته، دور از نور و در جای سرد و خشک نگهداری شود.

خواص درمانی - مقوی، قابض، بندآورنده خون و مدر است. با مصرف فرآورده‌های آن، نتایج مفید در رفع اسهال‌های ساده، آب آوردن انساج، رماتیسم مزمن، نقرس، ورم مثانه و نزله ششی به دست می‌آید.

Dr. H. Leclerc، قطعیت اثر آنرا در درمان رماتیسم و نقرس در بیماران مختلف مشاهده نموده چنین اظهار داشته است که با مصرف آن، دفع مقدار درصد اسید اوریک در بیماران مبتلا، بطور محسوس افزایش حاصل می‌کند.

بررسی‌های علمی Kabelik و Lenfield که در سال ۱۹۸۵ صورت گرفت، اثر درمانی گیاه را در رماتیسم و رفع حالات انتهایی تایید نموده است (۱).

بررسی‌های مختلفی که در اتازونی صورت گرفت نشان داد که از فرآورده‌های این گیاه در درمان مرحله پیشرفته حصبه و همچنین در دفع سنگ کلیه و معالجه خونریزها و خونروی در فواصل قاعدگی، نتایج مفید حاصل می‌شود. در رفع ترشحات زنانگی (ترشحات مهبلی) نیز اثر مفید ظاهر می‌کند.

H. Schulz، مصرف این گیاه را در رفع خونریزهای سینه و بیماریهای کلیه و مثانه،

مؤثر ذکر نموده است ولی پزشکان فرانسوی و آلمانی، از آن در رفع اخلاط خونی، نتیجه‌ای به دست نیاوردند.

در استعمال خارج، از اعضای مختلف این گیاه برای التیام زخم و جراحات استفاده درمانی بعمل می‌آورند.

صورت داروئی - دم کرده . ۳ در هزار (پس از ۲ دقیقه جوشاندن ، به مدت ۱۰ دقیقه دم کند) به مقدار ۳ تا ۵ فنجان در روز گرد گیاه خشک به مقدار ۱۰ ر. تا ۳۰ ر. گرم در هر ساعت شیره تازه گیاه به مقدار ۵ گرم مخلوط در یک تیزان برای مصرف در ۳ مرتبه - عصاره روان به مقدار ۲ قاشق قهوه خوری در روز - اسانس به مقدار ۵ تا ۱۰ قطره مخلوط در یک پوسیون.

دم کرده بدر جهت رفع بیماری کلیه

| | | |
|--|----|-----|
| اعضای مختلف گیاه مذکور (C. canadensis) | ۴۰ | گرم |
| Parietaria officinalis | ۲۰ | » |
| Sambucus nigra | ۳۰ | » |

یک قاشق سوپخوری از مخلوط فوق را بر حسب هرفنجان در آبجوش وارد کرده به مدت ۲ دقیقه دم می‌کنند و سپس یک قاشق شربت ۵ ریشه^(۱) بر حسب هرفنجان دم کرده به آن می‌افزایند. مقدار مصرف آن ۳ فنجان بین هردو غذا است.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گیلان، بندر انزلی، هشت پر، رشت، لاهیجان، گرگان؛ بندر گز، نماز آباد. سازندران: سیان کاله، بین عباس آباد و قائم شهر، بابل، کره زنگ در دره هراز، بین عمارت و سیاه بیشه (زردمن) در ارتفاعات . ۵ متری، بین چالوس و تنکابن، ۲۷ کیلومتری جنوب آمل، آذربایجان: ارومیه، علی بلاغ، کرمانشاه: قصر شیرین، خراسان: مشهد در ارتفاعات ۱۱۵۰ متری، اطراف تهران: حبله رود نزدیک سیمین دشت، چیت گر در ۱۳۲ متری، اوین، قزوین، سنجیل .

E. elongata Ledeb. , Erigeron acris L. - گیاهی علفی ، ۲ ساله ، دارای

ساقه نسبتاً راست و معمولاً غیر منشعب، به ارتفاع ۲-۳ و حتی ۵ سانتیمتر است. در اسکان

۱- شربت ۵ ریشه، تیزانی است که از دم کردن ۲ گرم ریشه خشک ۵ گیاه زیر در یک لیتر آب به دست می‌آید:

ریشه خشک رازیانه - ریشه کوله خاص (Ruscus aculeatus L.) - ریشه کرفس (Apium graveolens L.) - ریشه مارچوبه (Apsaragus officinalis L.) - ریشه جعفری.

دم کرده مذکور اثر اشتها آور دارد (کدکس ۱۸۸۴).

مرطوب، زمینهای زراعتی و اراضی سنگلاخی غالب نواحی معتدله کره زمین منجمله ایران می‌روید. برگهایی باریک و دراز، پوشیده از تار و عاری از دمبرگ دارد. در قسمتهای انتهائی ساقه آن نیز تعدادی کاپیتول کوچک، به پهنای ۶-۱۳ سیلیمتر، مرکب از ۲ نوع گل، یکی زیانه‌ای و به رنگ گلی مایل به بنفش یا مایل به آبی و دیگری لوله‌ای و برنگ زرد ظاهر می‌شود. در حالت تازه، بوی مخصوص از آن استشمام می‌گردد. طعم تلخ دارد. سابقاً برای رفع ترش کردن غذا و احساس سوزش در معده بکار می‌رفت بعلاوه در رفع بیماریهای سینه و مثانه مصرف داشته است. اثرات درسانی آن مشابه C. canadensis است.

در کوهستانهای نواحی غربی و شرقی ایران می‌روید؟

E. alpinum L. - سابقاً به مصارف درسانی مشابه دو گیاه قبلی می‌رسیده است.

Helianthus annuus L.

فرانسوی: Tournesol : Grand soleil , Fleur du soleil , Helianthe annuel

انگلیسی: Golden flower of peru , Garden sun flower , Common sun flower

آلمانی: Gemeine Sonnenblume ایتالیائی: Sole , Girasole , Mirasole

فارسی: گل آفتاب گردن، آفتاب گردان - عربی: عباد الشمس

گیاهی است یکساله و دارای ساقه راست، خشن و به ارتفاع ۲ متر (گاهی بیشتر) که به عنوان زینت و یا استفاده از دانه‌های روغنی آن، پیوسته در وسعت‌های پهناوری از کشورهای مختلف پرورش می‌یابد.

آفتاب گردان، برگهایی منفرد به شکل قلب و پوشیده از کرک با کناره دندانه دار دارد. کاپیتولهای آن بسیار بزرگ و به قطر ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر است و بر روی نهنج آن ۲ نوع گل، یکی لوله‌ای و دیگری زیانه‌ای، به رنگ زرد و محصور در انولوکری مرکب از براکته‌های بزرگ، خشن و نوك تیز جای دارد. گل‌های لوله‌ای آن با آنکه به رنگ زرد روشن است سعهدا چون در بین آنها، تارهای نازک (براکته‌های داخلی) جای دارد از این جهت مجموعاً به رنگ تیره جلوه می‌کند. کاپیتولهای گل آفتاب گردان، تدریجاً پس از ظاهر شدن کامل گلها، خمیدگی و حالت آویخته پیدا می‌نماید.

سیوه آن فندقه، نسبتاً بزرگ، بیضوی، دارای ۲ برجستگی، به رنگ تیره یا بنفش مایل به سیاه (گاهی دارای خطوط سفید رنگ و یا خاکستری مشخص) و مغز درون آن، روغن دار و دارای طعم مطبوع است. مغز درون سیوه که ۵ درصد وزن کلی آنرا تشکیل می‌دهد، ۵ تا ۸ درصد مواد چرب دارد.

مغز روغن دار سیوه آفتاب گردان را به وسیله ماشین های مخصوص ، از پوسته سخت و خارجی آن جدا نموده به وسیله دستگاههای فشار، از آن روغن استخراج می کنند. روغن فشار اول مغز دانه ها (۱)، که بدون سداخله گرما به دست می آید، معادل ۱۸ تا ۲۰ درصد وزن کلی آنهاست. پس از آن بلافاصله تحت اثر گرما، روغن دیگری معادل ۱۲ تا ۱۵ درصد استخراج می گردد. از تفاله باقیمانده نیز ، روغن نامرغوب فشار سوم استخراج می شود که به علت ناخالص بودن منحصراً به مصارف صنعتی می رسد.

روغن آفتاب گردان، از بهترین نوع خوراکی روغن های گیاهی بشمار می آید. قسمت مورد استفاده آفتاب گردان ، مغز روغن دار سیوه، گل و حتی قطعات ساقه آن است. از مغز ساقه آفتاب گردان می توان ، به صورتی که مغز ساقه *Sambucus ebulus* (مغز آقطی) بکار می رود، برای تهیه برش های میکروسکوپی در آزمایشگاه ها استفاده بعمل آورد. ترکیبات شیمیائی - روغن فشار اول که بدون سداخله گرما به دست می آید رنگ زرد روشن، طعم سلایم و بوی مطبوع دارد ولی روغن هائی که تحت اثر حرارت به دست می آیند ، دارای رنگ تیره و بوی مشخص می باشند.

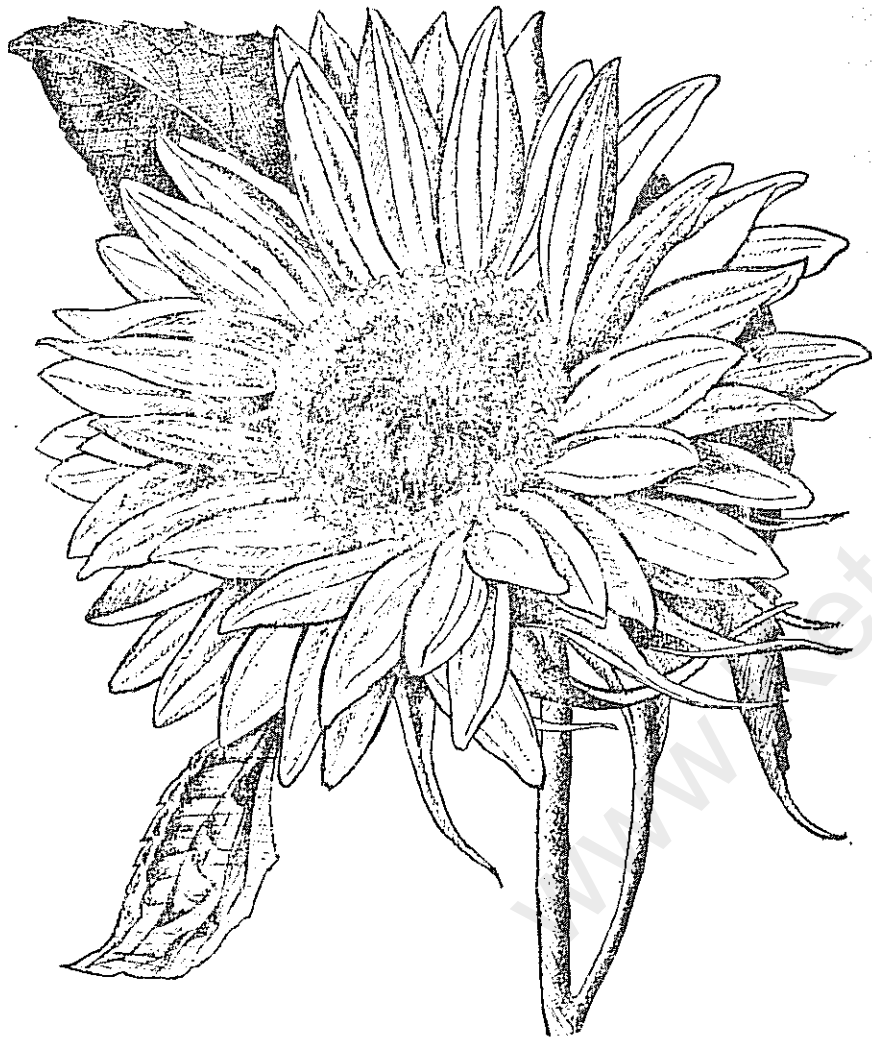
روغن آفتاب گردان دارای وزن مخصوصی بین ۰.۹۱۲ و ۰.۹۲۵ در گرمای ۱۵ درجه است. در ۱۶- درجه می بندد. اندیس انکسار آن ۱.۴۷۳۶ در گرمای ۲۰ درجه، اندیس پد آن، ۱۱۵ تا ۱۳۶ و اندیس صابونی آن ۱.۸۶ تا ۱.۹۴ است.

روغن آفتاب گردان، دارای ۷ درصد لینولئین، ۳۳ درصد اولئین و به مقدار کم از پالمیتین، استئارین ، آراشیدین و لینوسرین است. مغز دانه، بعلاوه دارای لسیتین، کلسترین، اسیدهای- آلی، آلبومین، گلبولین، ادستین edestine، آرژینین ، فیتین، ساکارز، بتائین، فرمانهای مختلف نظیر لپپاز و فنولاز *phénolase* ، اسید هلیان تانیک *ac. hélantannique* و همچنین اسید- هلیان تیک *ac. hélantique* است.

گل آفتاب گردان (گل های واقع بر روی نهنج)، طبق تحقیقاتی که بعمل آمده دارای نوعی هتروزید، آنتوسیانین ، یک رزین ، تانن ، کوئرستین ، اسید سولانتیک *ac. solantique* ، بتائین و کولین است. برگ و ساقه گیاه نیز دارای ۱۷ درصد سواد آلبرمینوئیدی ، ۸. درصد سواد چرب و ۲۳ درصد قابل استخراج است و این خود نشان می دهد که می تواند علوفه بسیار خوبی برای حیوانات باشد.

۱ - سیوه گیاهان تیره *Compositae* مانند سیوه تیره های جعفری و بعضی از گیاهان دیگر، بغلط دانه خوانده می شود. در اینجا منظور از مغز دانه، دانه روغن دار گیاه است که در پوسته سخت سیوه آفتاب گردان جای دارد.

خواص درمانی- عصاره الکلی حاصل از گل های تازه و قطعات ساقه گیاه، در روسیه مصرف جاری برای رفع تب دارد. سابقاً از آن برای معالجه کودکان مبتلا به سالاریا که در آنها، عامل بیماری در مقابل مقادیر زیاد کینین، مقاومت نشان می داده استفاده بعمل می آمد. دانشمندان



ش ۴۸- *Helianthus annuus* : سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی

قرن حاضر نظیر *L. Danzel* (در سال ۱۹۲۷) نیز از آن در معالجه سالاریا، نتایج نیکوبه دست آوردند. مصرف مخلوط عصاره سد کور با هموزنش اوکالیپتوس، برای رفع التهاب پرده جنب، فراخ شدن برونش ها، نزله های ناحیه برونش همراه با التهاب مخاط و خروج اخلاط متعفن و

حتی غانقرایای ششی توصیه شده است (L. Kroeber). مقدار مصرف مخلوط مذکور ۲۰ تا ۲۵ قطره برای ۲ یا ۳ دهنه در روز است.

با مخلوط کردن له شده دانه آفتابگردان در آب، اسولسیون تهیه می‌گردد که در طب عوام به عنوان سدر و خروج ترشحات مخاطها مصرف می‌شود. له شده مذکور اگر با افزودن مقدار کمتری آب، به صورت خمیری شکل در آید، اثر سلین دارد و در باد سرخ نیز بر روی پوست بدن بیماران اثر داده می‌شود.

از صمغ دیگر آفتابگردان آن است که برگ آنرا در بعضی نواحی با برگ توتون مخلوط نموده، مانند سیگار دود می‌نمایند. تفاله مغز دانه که پس از استخراج روغن، به دست می‌آید، غذائی مقوی و بسیار خوب برای چهارپایان است و اگر به مصرف تغذیه گاو برسد، موجب افزایش مقدار شیر آن خواهد شد. مغز دانه آفتابگردان اگر به طیور و سرخ خانگی داده شود، تعداد تخم سالانه آنها را افزایش می‌دهد.

مصرف آن در اسب، موجب شفاف شدن سوی حیوان می‌گردد.

روغن فشار دوم آفتابگردان، در صنعت به مصرف تهیه صابون و همچنین ورنی‌های فاسد نشدنی می‌رسد. بآئیدرژن دادن به این روغن ویا بدون آن، در ساختن سارگارین و چربی‌های گیاهی استفاده می‌شود.

زراعت آفتابگردان به منظور استخراج روغن از دانه آن، در نواحی مختلف جهان منجمله ایران معمول است.

Helianthus tuberosus L.

فرانسه : Artichaut de Jérusalem ، Topinambour ، Hélianthe tubéreux

انگلیسی : Canada potato ، Toberous ، Jerusalem artichoke ، Topinambur

آلمانی : Jerusalem artichoke ، Knolensonnenblume ، Topinambur ، Erdbirne

ایتالیائی : Tartufo ، Pera di terra ، Topinambour ، T. del canna ، Tartufo-bianco

فارسی : سیب زمینی ترشی ، یرالماسی - عربی : ترتوف ، تفاح الارض

گیاهی است علفی، زیبا و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۱۰ تا ۳ متر که منشاء اصلی آن اسرکای شمالی بوده و از آنجا به نواحی دیگر انتقال یافته است. ساقه آن راست، خشن، منشعب در قسمت انتهائی و غده‌های زیرزمینی آن که تنها قسمت سورد استفاده گیاه است، به قطر ۴ تا ۱۰ سانتیمتر و به درازای ۷ تا ۱۰ سانتیمتر می‌باشد. در بعضی از پایه‌های آن نیز، غده‌های زیرزمینی ممکن است حجم زیاد پیدا کنند. از مشخصات این گیاه آن است که اگر در ارتفاعات کاشته شود،

ساقه‌های هوائی آن بسیار کوتاه و برگهای آن در سطح زمین واقع می‌شود. برگهای سیب زمینی-ترشی، عموماً ساده، منفرد، بیضوی، نولتیز و دارای کناره دندانه‌دار است. در پهنک آن نیز ۳ رگبرگ اصلی دیده می‌شود.



ش ۹ و ۸- *Helianthus tuberosus* : سرشاخه گلدار و برگ به اندازه‌های طبیعی

کاپیتولهای آن دارای دو نوع گل زرد رنگ، یکی لوله‌ای در وسط و دیگری زبانه‌ای واقع در حاشیه نهج است. پهنای کاپیتولهای آن، کمتر از آفتابگردان و بین ۴ تا ۸ سانتیمتر می‌باشد که معمولاً به وضع مجتمع در سجاورهم، در رأس دسگل درازی قرار دارند.

ترکیبات شیمیائی - غده سیب زمینی ترشی دارای ۱۲۵ تا ۱۳۵ درصد اینولین، ۳۶ تا ۲۰ درصد قندهای مختلف، ۱۸۹ تا ۲۵۲ درصد مواد ازته، ۱۵ تا ۱۸ ر. درصد مواد چرب، ۳۵ تا ۱۲۵ درصد سلولز، مواد قابل استخراج، ۷۴ تا ۸۰ درصد آب و غیره است. خاکستر باقی مانده از آن، معادل ۱۱۳ درصد و شامل اسلح مختلف پتاسیم، سدیم و غیره می باشد.

خواص درمانی - غده سیب زمینی ترشی به صورت جوشانده و یا به حالت خام ولی پس از قرار دادن مدتی در سرکه و یا در سالاد مصرف می شود.

سیب زمینی ترشی غذای مناسبی برای مبتلایان به بیماری قند و اورمی است زیرا اولاً مواد قندی آن به صورت گلیکوژن در کبد ذخیره نمی گردد و ثانیاً به علت کم داشتن مواد پروتیدی، در پائین آوردن اوره خون اثر می نماید.

سیب زمینی ترشی در ایران پرورش می یابد.

Helianthus strumosus L. * گیاهی به ارتفاع ۲ تا ۳ متر است و در نواحی

مختلف آمریکا پراکنده دارد. به صورت علوفه مورد استفاده چهارپایان قرار می گیرد و بعلاوه در ردیف گیاهان مولد عسل جای دارد. ریزوم آن باریک و دراز است و در محل سوش، دسته ای از غدد کوچک، بوضع مجتمع بوجود می آورد که به مصارف خوراکی می رسد. در هر غده آن یک یا ۲ فرورفتگی دیده می شود. شکل ظاهری آنها استوانه ای، به طول ۴-۶ سانتیمتر و کمی مسطح است. قسمت های انتهائی هر غده، باریک می شود و مجموعاً به ساقه هوائی ختم می گردد. غده ها دارای اندوخته اینولین اند.

در زیر نوعی *Chrysanthemum* مفید داروئی که به مقاله علمی آن، پس از چاپ مبحث مربوطه، دسترسی پیدا شد شرح داده می شود:

Chrysanthemum americanum (L.) Vatke *، گیاهی است علفی و به ارتفاع

۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر که در نواحی حاره منجمله افریقا می روید. ساقه های منشعب از قاعده و برگهائی با پهنک منقسم به قطعاتی با تقسیمات کوچک و نولک تیز دارد. کاپیتول های کوچک آن به رنگ زرد درخشان است و چون گیاه از نظر شکل ظاهری شباهت به بابونه رومی دارد از این جهت به **بابونه طلائی** *Camomille d' or* موسوم می باشد. پیدایش آن در نواحی حاره، پس از بارندگی هاست.

قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اعضا آن است (۱).

ترکیبات شیمیائی - مواد مؤثر گیاه عبارت از فلاونوئیدها *Flavonoides* و ساپونوئیدهای (*Saponoides*) آنست که در گیاهان دیگر نیز وجود دارد و مواد اصلی داروها مخصوصاً

انواع جدید آنها می باشد. این دو دسته از مواد علاوه بر آنکه هریک، اعمال اختصاصی دارند، با تأثیری که بر روی یکدیگر می نمایند، سهولت عبور آنها از جدار سلولها میسر می گردد مانند آنکه ساپونوئیدهای آن ضمن انجام اعمال اختصاصی خود، در تقویت عمل فلاونوئیدها و سهولت عبور آنها از جدار سلولی مداخله می نمایند.

فلاونوئیدهای گیاه شامل سه قسمت (دو فلاونون، یک *aurone* و یک *chalcone*)

است که موجود بودن آنها را با هم در یک گیاه، باید از اختصاصات *Chrysanthemum* دانست. ساپونوئیدهای گیاه مذکور، از ۲ قسمت تشکیل یافته که شامل کریزانتلین *A* و *B* (*Chrysanthelline*) است.

وجود مجموعه مواد مذکور در گیاه باعث می گردد که رنگ آن و همچنین رنگ عصاره حاصله از گیاه زرد - قهوه ای جلوه نماید.

هیچگونه سمومیتی تا کنون از مصرف مقادیر درمانی گیاه دیده نشده است. در موش و

موش صحرائی، خوراندن مقدار ۴ گرم عصاره گیاه بر حسب هر کیلو وزن جانور که برابر با ۱۰۰ گرم گیاه خشک شده برای هر کیلوگرم وزن حیوان است، منحصراً ایجاد سمومیت ضعیف می نماید بدون آنکه باعث مرگ آن شود.

خواص درمانی - فرآورده های این گیاه در رفع نارسائی وعدم ترشح کافی کبد (صفر) که

به علت بیماری های مختلف مخصوصاً اعتیاد به مشروبات الکلی (الکل اتیلیک) پیش می آید، اثر مفید ظاهر می کند در نتیجه با تأثیری که بر روی کبد دارد، موجب درمان اختلالات هضمی، اختلالات ناشی از پر خوری و همچنین درمان حالات اولیه تشنج کبدی یا تشنج های پیشرفته این عضو، همچنین التهاب و بزرگ شدن کبد می گردد که از این نظر اثر آن مشابه گیاه دیگری از این تیره به نام *Silybum Marianum (L.) Gaertn.* می باشد.

فرآورده های این گیاه در رفع افزایش غیر طبیعی لیپیدها (۱)، کلسترول و تری گلیسریدهای

خون، مؤثر واقع می شود بعلاوه مصرف آنها موجب می گردد که هر نوع سنگ، اعم از سنگ کلیه یا رسوبات کبدی، بزاقی و غیره تدریجاً کوچک شود و یا از بزرگ شدن آنها، جلوگیری به عمل

۱- افزایش لیپیدها در خون، *hyperlipemie* نامیده می شود. این افزایش ممکن

است به حدی باشد که مقدار کلی این مواد به ۶۰ و حتی ۱۰۰ گرم در هر لیتر خون برسد و باعث گردد که در مقدار درصد گلیسریدها اثر نموده آنرا به ۲ تا ۴ گرم در لیتر افزایش دهد.

با غلظتی که با این ترتیب در خون پیش می آید، سرم خون، حالت شیر مانند پیدا می کند (Garnier Delmare Dict. p 617, 1980).

آید. در آرتریت (Artérite) که جدار سرخرگها، التهاب و آزردهگی پیدا می کند و خاتماً منجر به سخت شدن آنها و گاهی فراخ شدن یا تنگ شدن رگها می شود، مصرف گیاه اگر حالت اخیر در رگهای اندام های سافله پیش آید، باعث بهبودی می گردد ولی همواره باید توجه داشت که این بهبودی بطئی است و چند ماه به طول می انجامد.

فرآورده های این گیاه اثر بسیار خوب در رفع بیماری های چشم، مربوط به قرنیه و شبکیه که منشاء عروقی داشته باشد مانند پیدایش لکه در چشم و همچنین روشن ساختن رویت اشیاء را در ۸۰ درصد از بیماران، ظاهر می کند.

در مورد التهاب حاد و مزمن سیاهرگهای کوچک سطحی پوست بدن که موجب پیدایش لکه های کوچک و ارغوانی یا کبود در پوست و نوعی سیانوز (acrocyanose) می شود نیز می توان از این گیاه نتایج درمائی خوب به دست آورد. در درمان این گونه موارد، عمل فرآورده های این گیاه، شبیه روتین Rutine (ماده مؤثر سداب یا Ruta graveolens - جداول کتاب) است.

صور دارویی - جوشانده و گرم اعضای گیاه در یک فنجان آب برای یک دفعه و تکرار این عمل در ۳ یا ۴ دفعه در روز بعد از غذا (عضو گیاه را در آب سرد وارد کرده به مدت ۳ تا ۴ دقیقه می جوشانند سپس بمدت ۱ تا ۲ دقیقه دم می کنند. به این جوشانده اگر منع مصرف قند برای بیمار درین نباشد، مقداری قند می افزایند تا شیرین شود). دم کرده و گرم گیاه بر حسب هرفنجان و به مقدار ۳-۴ فنجان در روز (این دم کرده را می توان در یک دفعه، برای مصرف ۴ ساعت تهیه کرد مشروط بر آنکه در جای خنک نگهداری شود) - عصاره روان که هر گرم آن معادل یک گرم گیاه است به مقدار ۴ گرم در روز بعد از غذا.

مقادیر مصرفی فوق را می توان به جای ۳ یا ۴ دفعه در روز، در دو دفعه (هر دفعه نصف مقدار کلی روز) هنگام صبح (بعد از صبحانه) و شب، بعد از غذا مصرف کرد و آنچه که مورد توجه باید قرار گیرد آنست که اصولاً نباید قبل و بعد از غذا شیر مصرف گردد (بعلت تانن موجود در گیاه).

مقدار مصرف روزانه جوشانده و دم کرده مذکور در موارد عمومی (رفع سمومیت های کبدی....) وجود سنگهای صفراوی، سنگ کلیه و آرتریت به ترتیب عبارت از ۳ تا ۴ گرم، ۱ تا ۲ گرم، ۴ تا ۵ گرم و ۲ تا ۳ گرم است. برای افراد حساس نسبت مصرف فرآورده های این گیاه به هر صورت یعنی تیزان، گیاه خشک و یا عصاره روان آن، نصف اندازه های ذکر شده است.

مدت درمان فرآورده های این گیاه نیز در موارد عمومی، وجود سنگهای صفراوی، سنگ کلیه و آرتریت به ترتیب عبارت از ۱۰ روز در ماه واداسه آن تا ۳ ماه، ۲ روز در ماه واداسه آن تا ۳ ماه، ۱ روز در ماه واداسه آن تا ۳ ماه (و بعداً در هر ۲ ماه) می باشد.

پس از درمان بیماری، مدت لازم برای جلوگیری از بروز مجدد آن و یا به منظور پیش گیری، عبارت از ۱۰ روز در هر ۲ تا ۳ ماه، ۲۰ روز در ۲ ماه (تکرار آن)، و مدت ۱۰ روز در ۳ ماه می باشد.

باید توجه داشت که مدت ادامه مصرف دارو در افراد حساس باید نصف مدت افراد دیگر باشد تا ناراحتی ایجاد نشود. این گیاه در ایران نمی روید.

Ambrosia maritima L.

فرانسه : Ambrosie maritime ، Absinthe bâtađ آلمانی : Traubenkraut

انگلیسی : Sea ambrosia ، Oak of Cappadocia ایتالیایی : Ambrosia

عربی : امبروسیا (Ambrúsyā) ، دسمیس (Damsís)

گیاهی علفی، به ارتفاع ۲۰-۶۰ سانتیمتر، به رنگ سبز مایل به سفید و دارای برگهای منقسم به تقسیمات ثانوی است. کاپیتول های آن کوچک و واقع بر روی محور درازی است که در طول ساقه و در کناره برگها ظاهر می شوند. در قسمت انتهائی این محورها، منحصراً کاپیتول های نر و در ناحیه زیر آنها، مجموعه ای از کاپیتول های ماده جای دارند. از کلیه قسمتهای گیاه، بوی معطر و قوی استشمام می شود.

پراکنندگی آن به صورتی است که در سواحل مدیترانه، اسپانیا، ایتالیا، یونان، سوریه و شمال افریقا می روید بعلاوه در باغچه ها کاشته می شود.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف گیاه، دارای نوعی ماده قابل استخراج به نام **امبروزین** ambrosine است.

امبروزین Ambrosine، به فرمول $C_{10}H_{18}O_3$ و به وزن سلکولی ۲۴۶٫۳۱ است و از گیاه مذکور توسط Abu - Shady و Soine (1) استخراج شده است. فرمول منبسط آن نیز بعداً در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۵۹، توسط محققین مختلف تعیین گردید (2). امبروزین در الکل به حالت متبلور به دست می آید. در گرمای ۱۴۶ درجه ذوب می شود. در آب، محلول سرد سود محرق و اسیدهای رقیق، غیر محلول ولی در الکل و بنزن، حل می شود. در کلروفورم به مقدار خیلی زیاد محلول است.

1 - Abu - Shady, Soine, J. Am. Pharm. Assoc. 42, 387 (1953).

2 - Bernardi, Büchi, Experientia 13, 466 (1957).

خواص درمانی - نیرو دهنده ، مقوی قلب ، مقوی معده و کم و بیش قابض است .
از اعضای گیاه جهت درمان اخلاط خونی (تفخونی) ، خون آمدن از بینی ، نفخ و رفع عوارض
بیماران مسلول استفاده می شود .

در استعمال خارج ، اثر نرم کننده و التیام دهنده زخم و جراحات دارد .
در ایران نمی روید .

نوع دیگر آن *Ambrosia artemisiaefolia* L. * است که ساقه ای به ارتفاع دو
برابر گیاه قبلی با انشعابات زیاد دارد ولی به خلاف آن معطر نیست . برگهای آن دارای پهنکی با
بریدگیهای زیاد ، مشابه گیاه قبلی است . کاپیتول های آن ، رنگ سبزی دارد و بردو نوع نر
و ماده می باشد . نوع نر آن در قسمت های فوقانی محوری دراز جای دارد و به حالت خمیده به سمت
پائین است در حالیکه کاپیتول های ماده که در زیر کاپیتول های نر واقع اند ، حالت ایستاده دارند .
میوه اش که از کاپیتول های ماده حاصل می شود ، به رنگ سبزی ، سبزی ، سبزی به بنفش و دارای
۵-۶ خار بسیار کوچک در قسمت انتهائی است . این گیاه بومی امریکاست و به همین علت به نام
افسنطین کانادا Absinthe du Canada موسوم می باشد . انتقال آن از امریکا به اروپا ، به علت
مخلوط بودن بذر آن با بذر شبدر صورت گرفته است که بعداً در نواحی مختلف اروپا پراکندگی حاصل
کرد . این گیاه ، بیشتر در زمین های بایر ، آبادیهای کوچک دور از شهر ، سواحل رودخانه ها و
وحاشیه جریان های آب می روید . بومی امریکای شمالی و کانادا است .
ترکیبات شیمیائی - برگ این گیاه دارای یک ماده تلخ و نوعی اسانس بابوی مخصوص
است .

خواص درمانی - در امریکا از کلیه قسمت های گیاه به عنوان قابض ، تب بر و ضد کرم
استفاده می شود . مانند گیاه قبلی اثر رفع تفخونی (Crachement de sang) ، درمان خون
آمدن از بینی (Dr. Hell) ، رفع تب های نوبه (به جای استفاده از کینین) و دفع کرم دارد .
با بررسی هائی که اخیراً در دانشگاه لیون (فرانسه) بعمل آمد مشخص گردید که دارای اثر
آلرژی زائی قوی است (1) .

صور دارویی - دم کرده . ۶ گرم گیاه در ۱۰ گرم آب جوش ، به مقدار یک فنجان در هر
نیم ساعت - گرد اعضای خشک شده گیاه به مقدار ۲ گرم و چند دفعه در روز .
در ایران نمی روید .

Echinacea angustifolia DC. * گیاهی است علفی که در نواحی مختلف امریکا
مانند ایالت کانزاس ، نبراسکا Nebraska و غیره می روید . قسمت مورد استفاده گیاه نیز ریشه
آنست که دارای اسانس ، مواد رزینی و نوعی گلوکزیدیسی باشد که بر روی ترکیب شیمیائی آن هنوز
بررسی های کافی بعمل نیامده است . از ریشه آن در نواحی محل رویش گیاه ، جهت درمان گزش
مار بعنوان پادزهر ، استفاده می شود . به صورت دم کرده و بعنوان تب بر و تصفیه کننده خون
نیز مورد استفاده قرار می گیرد .

در کتب جدید برای آن و نوع دیگری به نام *E. purpurea* (L.) Moench که
ریشه ای با طعم تلخ و گس دارند و با تأثیر بر روی خون و لنف ، خواص درمانی در بیماریهای
مربوطه ظاهر می کنند ، از نظر کلی اختصاصات زیر ذکر شده است (1) :
تصفیه کننده خون ، ضد طفیلی ها ، ضد عفونی کننده ، زیاد کننده ترشحات آب دهان ،
آرام کننده .

ضمناً دو گیاه مذکور ، سلطان داروهای تصفیه کننده خون معرفی شده اند بطوریکه آنها را
مؤثرترین داروی گیاهی در مورد فوق بحساب آورده اند . از ریشه دو گیاه مذکور در مصارف داخلی
و در استعمال خارج می توان استفاده بعمل آورد .

تنها موردی که در مصرف آنها باید رعایت شود آنست که بمقدار غیر کافی مصرف
نشوند و شگفت آور نیست که هیچ نوع اثر زیان آور در بدن ندارند فقط گاهی ممکن است یک
حالت گنگی خفیف یا تهوع زودگذر بوجود آورند . برای رفع این عوارض اگر مخلوط با مقدار کمی
از گرد ریشه شیرین بیان و یا دم کرده آن به صورت چای که با افزودن ۲ یا ۳ عدد خرما تهیه کرده
باشند ، مصرف شود این عوارض بروز نمی کند و یا بطور خفیف تر ظاهر می شود .

از ریشه این گیاه برای درمان غانقرایا (gangrène) ، سسموبیت های خونی ، مار -
گزیدگی و درمان گزش حشرات سمی نیز استفاده بعمل می آید . استفاده از ریشه گیاهان مذکور
جهت رفع عوارض سیفیلیس و درمان سوزاک ، منشاء قدیمی و تاریخی دارد و از این نظر ، سدهای
مدید مورد استفاده بوسیان محل رویش گیاهان مذکور قرار می گرفته است . جوشانده آن ، جهت
رفع التهاب واژن (vaginite) نیز هنوز هم بکار می رود . در موارد حاد بیماریها باید مصرف
آن در هر ساعت یا در هر ۳ ساعت ، بصورت کپسول های متوسط محتوی گرد ریشه گیاه و یا تانطور آن ،
بمقدار یک قاشق چای خوری صورت گیرد .

فرمول تصفیه کننده خون

| | | |
|--------------------------------------|---|------|
| ریشه گیاهان مذکور (Echinacea) | ۲ | قسمت |
| ترشک (Rumex crispus) | ۱ | » |
| سیر (Allium sativum) | ۱ | » |
| عشبه (Smilax ornata) | ۱ | » |
| ریشه شیرین بیان (Glycyrrhiza glabra) | ۱ | » |
| Phytolacca americana | ۱ | » |

اعضای خشک گیاهان فوق را مخلوط کرده به صورت گرد درسی آورند و بعداً در کپسول های متوسط وارد می کنند و یا تنطور آنرا بکاسی برند. بصرف روزانه تنطور آن یک قاشق چای خوری است (۱).

اخیراً مقاله های جدیدی درباره اثر درمانی این گیاهان که حاصل بررسی های عمیق و ریشه دار محققین مختلف است بچاپ رسیده که جدیدترین آنها بشرح زیر از نظر خوانندگان و علاقمندان می رسد (Pharmacy international, August, 1986):

بوسیان قدیم امریکای غربی، خیلی زود به خواص درمانی دو نوع Echinacea های مذکور، که پراکنندگی وسیع در نواحی اطراف محل سکونت آنها داشته پی بردند و از آنها بعنوان داروهای درمان کننده غالب بیماری های خود استفاده بعمل می آوردند زیرا عملاً با مصرف ریشه ۳ گیاه مذکور نتایج شفا بخش در درمان غالب بیماریهای خود به دست می آوردند.

مصرف ریشه این گیاهان از نظر درمانی با آنکه مدتی نسبتاً طولانی رونق قبلی خود را از دست داد ولی بعداً مجدداً مخصوصاً در سال های اخیر، پس از انجام بررسی های مختلف مورد توجه قرار گرفت. این بررسی ها بیشتر در زمینه ایجاد سمونیتی است که با مصرف ریشه گیاهان مذکور، بدن در مقابل یک آنتی ژن پیدا می کند Immunostimulation (۲).

۱- در فرمول مذکور، ژین سنگ (جلد دوم این کتاب)، ساسافراس (تیره Lauraceae) و Hydrastis canadensis نیز وارد است که هیچیک از آنها در ایران وجود ندارند و فقط به ژین سنگ سمکنست در داروخانه دسترسی پیدا کرد همچنین بطوریکه در فرمول مذکور تصریح گردیده می توان از بعضی انواع غیر موجود نیز صرف نظر نمود. ضمناً چون با همه شهرتی که مصرف ریشه Echinacea ها پیدا نموده اگر به آن دسترسی پیدا نشد می توان از بابونه گاوی یا Matricaria Chamomilla (تیره Compositae) استفاده کرد.

۲- Immunostimulation، عبارت از فعال کردن یا افزایش سرعت پیدایش عکس العمل های بدن در مقابل یک آنتی ژن است (Dict. des termes de med. par Garnier Delamar, 1980).

ریشه گیاهان مذکور، همه ساله به مقدار زیاد از امریکا به کشورهای اروپائی صادر می شود و در تهیه فرآورده های دارویی، غالباً مخلوط با اعضای گیاهان دیگر، بمنظور بالا بردن مقاومت بدن در مقابل بیماری ها، مورد استفاده قرار می گیرد ضمناً علاوه بر دو گیاه مذکور، انواع مختلف دیگر متعلق به این تیره بشرح زیر نیز، همان اختصاصات درمانی را کم و بیش ظاهر می نمایند:

Calendula officinalis L. ، *Matricaria Chamomilla* L.

Eupatorium perfoliatum L. ، *Arnica montana* L.

از بین گیاهان تیره های دیگر، آنهایی که طبق بررسی های بعمل آمده، اثرات مذکور را ظاهر می سازند، انواع زیر مشخص شده است:

| | | | |
|----------------|---------|-------------------------|----|
| Ranunculaceae | از تیره | Aconitum Napellus L. | -۱ |
| Phytolaccaceae | — | Phytolacca americana L. | -۲ |
| Loranthaceae | — | Vlscum album L. | -۳ |
| Cupressaceae | — | Thuya occidentalis L. | -۴ |

از بین گیاهان مذکور، انواع Echinacea بیشتر اثرات درمانی فوق را بطور محسوس ظاهر می کنند.

ب بررسی هائی که در ایندیانا (از ایالات امریکا)، بعمل آمد، نشان داده شد که از میوه گوشتدار *Phytolacca americana* بوسیان منطقه مذکور استفاده فراوان جهت درمان رماتیسم و آرتریت بعمل می آورند.

بنظر می رسد که اثرات درمانی مذکور (Immunostimulation)، مخصوصاً در ۲ نوع Echinacea، منطبق بر مکانیزم متفاوت زیر باشد:

الف- تقویت فاگوسیتوز Phagocytose (بیگانه خواری، میکروب خواری در موجودات چندسلولی).

ب- بالا رفتن فعالیت اعمال تنفسی.

ج- افزایش تحرك گلبولهای سفید خون.

مجموعه پیدایش حالات اخیر باعث تقویت عمومی بدن می شود و باعث می گردد که در موارد مختلف مانند سرماخوردگی، درد گلو، احساس ضعف مفرط و غیره اثرات مفید ظاهر شود.

مواد اصلی و مؤثر ریشه Echinacea های دارویی مذکور، ۳ نوع پلی ساکارید با وزن-سلکولی زیاد مشخص گردید که یکی از آنها، هتروکسیلان heteroxylan، پیوسته به کسیلوز

(oleanolic acid) و یک ماده تلخ (کالهدین caledine) از آن نتیجه می‌شود^(۱).
بررسی‌های جدید نشان داده است^(۲) که گلبرگهای خشک این گیاه دارای استیگماسترول
stigmasterol، سیستوسترول cistosterol، کلسترول، اسیدهای مختلف، فارادیول



ش . . . Calendula officinalis : شاخه گلدار به اندازه طبیعی، میوه
و یک گل کناری

faradiol و آرنیدول arnidol است. پیگمان‌های آن دارای بتا- کاروتن، لیکوپن،
rubixanthine، violaxanthine، ساپونین و فیتوسترول می‌باشد به‌علاوه در گیاه تازه، اسید
سالیسیلیک به مقدار ۳ ر. میلی‌گرم در کیلوگرم یافت می‌شود. ضمناً بررسی‌های محققینی مانند

1 - Zimmerman, Helv. Chim. Acta 29, 445 (1946).

2 - Duke, James A. pp. 87 - 88 (1985).

Xylose، به وزن سلکولی معادل ۳۰۰ است و دیگری، نوعی آرابینو راسنوگالاکتان
arabinorhamnagalactan، متصل به ماده‌ای با ساختمان‌های مشابه صمغ و سوسیلار می‌باشد
که وزن مخصوصی معادل ۵۰۰۰۰ دارد.

هنوز دلایل قانع‌کننده‌ای برای ۲ پلی‌سا کارید مذکور که با تاثیر خود، موجبات بالا
بردن مقاومت بدن را فراهم می‌آورند، در دست نیست و جا دارد که محققین متخصص، در
بررسی‌های خود در زمینه سواد مؤثر گیاهان مذکور و اثرات درمانی آنها، مطالعات دامنه‌دارتری
بعمل آورند.

Calendula officinalis L.

فرانسه: Souci commun، Souci des jardins، انگلیسی: Pot marygold، Marygold
آلمانی: Gemeine Ringelblume ایتالیایی: Fior rancio، Calendola، F. d'ognimese
فارسی: گل همیشه بهار - عربی: اقحوان اصفر، قرقیان، قوقحان، زبیده

گیاهی علفی، زیبا و دارای ساقه‌ای به طول ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. برگهائی ساده،
بعضوی دراز، پوشیده از کرک، با کنارهای موجدار و به رنگ سبز مایل به قهوه‌ای روشن دارد.
بر روی ساقه منشعب آن، کاپیتولهای درشت و زیبا ظاهر می‌گردد که به تناسب گرما و رطوبت
محیط زندگی، بطور منظم صبحها در فاصله ساعت ۹ تا ۱۰ شکفته و سپس در بعد از ظهرها، بین
ساعات ۴ تا ۵ جمع می‌گردد.

کاپیتولهای آن دارای دونوع گل، یکی لوله‌ای و دیگری زبانه‌ای، به رنگ زرد مایل
به نارنجی و واقع در حاشیه نهنج است.

زنبور عسل، به سمت گلنهای آن جلب می‌گردد. پرورش این گیاه در نواحی مختلف معمول
می‌باشد.

C. arvensis L. که آن نیز ظاهری شبیه گیاه فوق دارد و بحالت وحشی در نواحی

مختلف آسیا و ایران پراکنده است، دارای صفات درمانی مشابه *C. officinalis* می‌باشد.

ترکیبات شیمیائی - همیشه بهار دارای نوعی ماده تلخ، اسیدهای آلی، رزین، ماده‌ای
به نام کالاندولین calenduline به مقدار ۳ درصد، صمغ، لعاب، آلبومین، ۲ ر. درصد اسانس،
یک ساپونین و یک ماده رنگی زرد است.

ریشه‌اش اینولین دارد.

ساپونین موجود در گیاه بر اثر هیدرولیز، تجزیه می‌شود و سواد نظیر اسید اولئانولیک

Taylor نشان داد که اعضای این گیاه هیچگونه اثرات سمی ندارد و از مشخصات آن اینست که آلرژی زا نیست.

کالاندولین، ماده‌ای است تلخ که در مجاورت آب، حالت ژلاتینی پیدا می‌کند.
اسید اولئانولیک (Ac. oleanolique) (Oleanolic acid)، اولئانول (Oleanol)

کاربوفیلین (caryophyllin)، به فرمول $C_{26}H_{48}O_8$ و به وزن ملکولی ۴۶۷۱ است. از اعضای گیاهان مختلف مانند انواع زیر استخراج شده است:

| | | | |
|--------------|---------|-------------------------------------|-----------|
| Oleaceae | از تیره | Olea europaea L. | ۱- از برگ |
| Loranthaceae | — | Viscum album L. | ۲- » |
| Myrtaceae | — | Syzygium aromaticum (L.) M. & perry | ۳- |
| Gentianaceae | — | Swertia japonica (Max.) Makino | ۴- |
| — | — | Centaurium minus Moench. | ۵- |
| | | = C. umbellatum Gilib. | |
| Betulaceae | — | Betula pendula Roth. | ۶- |
| | | = B. alba L. | |

۷- به حالت گلوکزیدی در ساپونین‌های مختلف وجود دارد.

روش استخراج اسید اولئانولیک از Syzygium ها توسط Winterstein و Stein (1) و فرمول نسبت آن توسط Ruzicka و همکارانش تعیین گردیده است (2).

اسید اولئانولیک، به صورت بلورهای ظریف سوزنی شکل (solvated) در الکل به دست می‌آید. نقطه ذوب آن پس از خشک شدن، گرمای ۳۱ درجه است. در آب حل نمی‌شود ولی در ۶۵ قسمت اتر، ۱۰۶ قسمت الکل ۹۵ درجه، ۳۰ قسمت الکل ۹۰ درجه جوشان، ۱۸ قسمت کلروفرم، ۱۸۰ قسمت استن و ۲۳۵ قسمت متانول محلول است.

تاریخ دقیق استفاده از گل همیشه بهار در طبابت به خوبی مشخص نیست زیرا مدت‌ها آنرا با گیاهان دیگر و انواعی از Galtha ها، اشتباه می‌نمودند. نخستین بار ساتیول Matthiol (۱۵۵۴) که در زمان او، گل همیشه بهار پراکندگی وسیع در ایتالیا داشته است (به هر دو حالت وحشی و پرورش یافته)، مصرف آنرا در سالاد و از نظر درمانی به عنوان قاعده آور و رفع کننده التهاب چشم در آثارش وارد نمود. از این زمان بعد برای مدتی طولانی، استفاده از این گیاه به فراموشی

1 - Winterstein, Stein, Z. Physiol. Chem. 202, 222 (1931).

2 - Ruzicka et al., Helv. Chim. Acta 29, 210 (1946).

سپرده شد و با آنکه موفقیت‌هایی از آن در درمان بیماریها به دست می‌آمد سعه‌ها مورد توجه قرار نگرفت مانند آنکه Schroeder (۱۶۴۱) و Vitet (۱۷۷۰) آنرا برای درمان قطع قاعدگی و Carter و Muhsbeck آنرا برای رفع استفرغهای مقاوم و Cazin (۱۸۸۶) آنرا جهت درمان آب آوردن کلی اعضای (anasarque)، معالجه یرقان و رفع ضعف ناشی از سالاریا و غیره به کار می‌برده‌اند. باید گفت که استفاده از این گیاه در طبابت، در واقع از آغاز قرن بیستم وارد مرحله جدی گردید و از آن، نتایج مفید در معالجه بیماریها به دست آمد.

خواص درمانی-گل همیشه بهار، دارای خاصیت سمرق با اثر قوی، تصفیه کننده خون، قاعده آور و التیام دهنده است و از آن به عنوان نیرو دهنده، ضد تشنج و رفع قی، استفاده بعمل می‌آورند.

اثر قاعده آور آن مخصوصاً در سبتلیان به ضعف اعصاب و کم خونی، قطعی است. مصرف آن بطوری که Dr. H Leclerc بررسی نموده اگر یک هفته قبل از وقوع قاعدگی انجام گیرد، این حالت در زمان معین به وضع طبیعی در سبتلیان به اختلالات قاعدگی بوقوع می‌پیوندد ضمناً ناراحتی‌ها و درد در سوار اشکال وقوع قاعدگی، تسکین می‌یابد.

اختلالات کبدی و زردی نیز با مصرف گل همیشه بهار، از بین می‌رود زیرا دارای اثر قطعی بر روی کبد و ترشحات صفراست. ضمناً اثر کم کننده فشار خون به علت اتساع عروق سطحی دارد.

برای پائین آمدن کلسترول خون، تیزان حاصل از دم کردن ۳ گرم گل همیشه بهار در آب، مؤثر واقع می‌شود در صورتیکه تمام آن در یک روز مصرف گردد.

مصرف گل یا برگ همیشه بهار برای رفع التهاب و زخم معده و دستگاه گوارش (Dr. H. Leclerc) و در استعمال خارج، اثر دادن آن بر روی زخمهای سطحی بدن، سوختگی‌ها، سرمازدگی، دانه‌های جلدی، Impetgo، آگزما و غیره توصیه شده است. التهاب و تورم غدد پستان و گانگلیون‌های لنفاوی را نیز رفع می‌کند.

بررسی‌های Schilling نشان داد که تنطویر گل همیشه بهار، اثر التیام دهنده و معالجه بر روی زخمها دارد و سانع از التهاب و چرکین شدن آنها می‌گردد.

گل همیشه بهار یک داروی مفید برای جلوگیری از تجزیه شدن خون سرطانی است به علاوه در سبتلیان به سرطان که عضو بیمار، قابل جراحی نباشد نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (W. Boln).

گل همیشه بهار برای رفع جوش‌های صورت (دانه‌های غرور)، کورلک، پینه بستن دست‌یابا،

میخچه و زگیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌علاوه می‌توان از آن جهت درمان بواسیر و آگزماهای متعدد استفاده به‌عمل آورد (Morelli, I. FAO, 1984).

H. Schwarz (در سال ۱۹۲۹)، بکار بردن پماد یا کرم گل همیشه بهار را برای رفع اولسرها و بدحالت، خراش و ترک پوست بدن، اولسرها و واریسی و بطور کلی جراحات پوست بدن و نظائر آن توصیه نموده است.

صورت داروئی - دم کرده ۵ گرم برای هر فنجان آب (مدت دم کردن ۱ دقیقه) به‌مقدار ۲-۳ فنجان قبل از هر غذا به‌عنوان معرق و ادامه آن به‌مدت ۷ روز جهت رفع اختلالات قاعدگی - به‌مقدار ۱ تا ۲ گرم برای هر فنجان، به‌عنوان تصفیه‌کننده خون و ملین و همچنین دم کرده ۲۰ در هزار به‌مقدار یک لیتر در ۲ ساعت به‌عنوان مدر - شیر تازه برگ برای رفع قی و زخمهای داخلی به‌مقدار ۱ تا ۲ قاشق، مخلوط در یک تیزان - تنپوره ۱٪ به‌مقدار ۱۰ تا ۲۰ قطره.

در استعمال خارج، پماد حاصل از مخلوط کردن ۵ تا ۶ گرم شیر تازه گیاه در ۶۰۰ گرم کره یا چربی دیگر بکار می‌رود و یا آنکه برگ تازه و یا خیس‌انده برگ گیاه در سرکه، برای رفع زگیل، میخچه و غیره بر روی عضو گذاشته می‌شود.

گل همیشه بهار به‌صورت ضماد یا کمپرس نیز به‌کار می‌رود مانند آنکه ضماد یا کمپرس حاصل از جوشاندن ۲ مشت گل در یک لیتر آب (مدت جوشاندن ۱ دقیقه)، در درمان زخم و جراحات، سوختگی‌ها، سرمازدگی و بیماریهای مختلف پوستی اثر قاطع ظاهر می‌کند.

گل همیشه بهار در تهیه فرآورده‌های داروئی مخصوصاً تهیه کرم‌ها (Crèmes)، پوسیون‌ها، ایماجات شستشو و غیره به‌کار می‌رود.

۱ - پوسیون قاعده آور

| | | |
|--|-----|-----|
| عصاره گل همیشه بهار | ۱۰ | گرم |
| تنپورگل تاجریزی (Solanum nigrum) | ۳ | » |
| الکلای بادرنجبویه یا ملیس ^(۱) | ۵ | » |
| شریت ساده به مقدار کافی تا | ۲۰۰ | » |

مقدار مصرف این محلول، ۲-۴ قاشق دسر خوری در روز است.

۱ - الکلای ملیس (Mélisse) از برگ و سرشاخه‌های جوان آن به‌مقدار ۱۰۰ گرم، الکل ۸۰ درجه ۳۰۰ گرم و آبمقطر ملیس (هیدرولا) به‌مقدار ۱۰۰ گرم تهیه می‌شود. برای اینکار برگ و سرشاخه جوان ملیس را به‌مدت ۴ روز در مخلوط الکل و آبمقطر ملیس می‌خیسانند سپس در بن‌سازی تقطیر می‌کنند بنحوی که معادل ۲۰۰ گرم الکل بدست آید.

۲ - نسخه برای رفع آگزما، زرد زخم ... (Dr. H. Leclerc)

| | | |
|--------------------|----|-----|
| تنپورگل همیشه بهار | = | گرم |
| اکسید روی | ۱۰ | » |
| لانولین | ۱۰ | » |
| وازلین | ۱۰ | » |

برای درمان زرد زخم، آگزما، آگزماهای خشک (Lichenoide) باید بر روی پوست و محل زخم مالیده شود.

بهداشت پوست

چون کاپیتول‌های گل همیشه بهار، اثر نرم‌کننده و حفاظت پوست‌های کم متفاوت و حساس را دارد، از این جهت لوسیونی بادم کردن یک مشت گیاه به‌مدت ۱۰ دقیقه در آب خیلی-گرم (بهتر است آبجوش به‌کار نرود) تهیه می‌کنند که به‌صورت کمپرس نیم‌گرم بر روی ناحیه گردن و پوست صورت اثر می‌دهند.

محل رویش - نوع اول، در نواحی غربی ایران، هرزیل و نوع دوم در سجده سلیمان و جنوب غربی ایران می‌روید.

Bidens tripartita L.

B. hybrida Thull. ، B. cannabina Lam.

فرانسه : Eupatoire aquatique ، Chanvre aquatique ، Bident chanvre d' eau
انگلیسی : Burmarigold ، Water hemp ، آلمانی : Dreiteiliger Zweizahn
ایتالیائی : Canapa aquatica ، Eupatoria aquatica ، E. femmina ، Forbicina
عربی : تیل مائی

گیاهی است یکساله، تقریباً عاری از کرک، به‌ارتفاع ۱ تا ۲ سانتیمتر و حتی یک‌متر که در دشت‌ها و نواحی کوهستانی کلیه نقاط اروپا، نواحی شمالی و غربی آسیا و شمال آفریقا می‌روید. برگهائی متقابل و منقسم به ۳ تا ۵ لوب دندانه‌دار دارد. کاپیتول‌های آن شامل گل‌های